

وظایف

منتظران امام عصر ع

السلام علی من تأتبع الهدی



عبد الرحمن انصاری شیرازی

وظائف منتظران

امام عصر ^{«عج»}

عبدالرحمن انصاری باهمکاری عذرا انصاری

جمعیت انصار المهدی «عج»

انصاری، عبدالرحمن، ۱۳۲۶ -
وظایف منتظران امام عصر (عج) / تألیف عبدالرحمن انصاری
شیرازی؛ با همکاری علیرا انصاری. - قم: مؤسسه انتشاراتی زمینه سازان ظهور
امام عصر (عج)، ۱۳۷۸.
۱۴۳ ص.

ISBN 964-91247-8-0: ۳,۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات لیا.

کتابنامه: ص. [۱۳۹]-۱۴۳.

چاپ دوم: ۱۳۸۰.

۱. مهدویت - انتظار. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم،

۲۵۵ ق. - الف. انصاری، علیرا، ۱۳۲۹ - ب. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

۶ و ۷۹ الف / ۴ / ۲۲۲ BP

شابک: ۰-۸-۹۱۲۲۷-۹۶۴-۰ / ISBN: 964-91247-8-0

وظایف منتظران امام عصر (عج)

تألیف: عبدالرحمن انصاری با همکاری علیرا انصاری

ناشر: انتشارات زمینه سازان ظهور امام عصر (عج)

چاپ و صحافی: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: دوم / ۱۳۸۰

شمارگان: ۱۰۰۰

بها: ۳۰۰ تومان

مرکز پخش: قم، خیابان دورشهر، کوچه ۱۸، کوی وصال، پلاک ۲۹،

تلفن: ۷۷۳۶۵۴۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	پیش‌گفتار
۲۰	وظایف شیعیان در عصر غیبت
۲۶	شناخت و معرفت امام عصر
۳۲	منتظر ظهور بودن
۳۶	راهنمایی و دعوت مردم به سوی خدا
۴۰	مراجعه به عالمان و حدیث شناسان
۴۶	قم حجت الهی است
۴۸	محبت و دوستی نسبت به آن حضرت
۵۴	محزون بودن و گریستن در فراق آن حضرت
۵۶	- گریه امام صادق <small>علیه السلام</small> بر آن حضرت
۶۰	- گریه امام رضا بر آن حضرت

-
- ۶۲ عجله نداشتن در ظهور آن حضرت
- ۶۶ پایداری کردن، بر ولایت اهل بیت علیهم السلام
- ۷۲ دوستی و دشمنی نسبت به دوستان و دشمنان آن حضرت
- ۷۷ درخواست از خداوند برای شناختن حجت الهی از خداوند
- ۸۰ ذکر نکردن نام مخصوص آن حضرت
- ۸۷ کمک به شیعیان و دوستان آن حضرت
- ۸۹ معین نکردن وقت ظهور
- ۹۰ - چرا وقت ظهور معین نشده؟
- ۹۲ - سخنان معصومان علیهم السلام - در این زمینه
- ۹۵ برخاستن به هنگام شنیدن نام مبارک آن حضرت
- ۹۹ دعا برای حفظ دین و مصون ماندن از لغزشها
- ۱۰۲ عمل نمودن به احکام اسلامی
- ۱۰۷ استمداد از آن حضرت در سختیها و مشکلات
- ۱۱۱ خودسازی و تزکیه نفس
- ۱۱۴ صدقه دادن برای سلامتی آن حضرت
- ۱۱۷ دعا کردن برای آن حضرت

-
- ۱۲۰ انجام حج به نیابت آن حضرت
- ۱۲۷ تلاش برای اصلاح جامعه
- ۱۳۰ حرکت در راستای خواسته آن حضرت
- ۱۳۴ پرداخت حقوق مالی به مستحقان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی

دل بی تو به تنگ آمد وقت است که بازایی

همه سوز و گداز ما، از فراق تو و همه پریشانی و

پریشان حالی ما از هجران توست و حرمان از فیض دیدار.

دل سوخته، قلب شکسته و چشمان اشکبار است و این

همه در انتظار روی توست.

آوای کوهساران و نوای عندلیبان و خروش امواج

جوشش چشمه ساران، به امید حضور توست.

طراوت شبنم، لطافت شکوفه و شکفتن غنچه، به شوق

دیدار توست.

جمال گل و وفای بلبل، پرتویی از زیبایی توست.

شمیم یاس و صفای یاسمن، از عطر مبری و بوی

توست.

حیات گیتی، شادابی دنیا و شیرینی زندگی، به امید
وصال توست.

مهدیا! رنج هجرانت را با هیچ واژه‌ای نمی‌توان وصف
نمود، مگر سخن رسول صلی الله علیه و آله، که: «برترین اعمال امت من،
انتظار گشایش است»^(۱). و سخن یار وفادارش
علی علیه السلام: «محبوب‌ترین کارها نزد خدا، انتظار گشایش
است»^(۲).

نگارا! در آتش فراق، چنان می‌سوزیم که خاکسترمان
میل آتش افروزی دارد و چنان می‌گرییم که اشکِ دلمان،
فریاد بر می‌آورد، آن‌گونه که ملکوتیان بر پریشانی و
حیرانی ما، به مهربانی، به گردِ دامان ربّ خویش، محفل
نیاز می‌گشایند و حضورت را طلب می‌نمایند، که این

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

مهربانی، خود، اشک دگری می طلبد.

دلبر! میل آن داریم که آتش عشق و عطش شوقمان را
از سرچشمه زندگی و صفای خویش، سیراب نمایی و
شرنگ تلخ کاممان را، با حلاوت یا قوت لبان خود، در نسیم
دیدار، آرام بخشی. و همه غمهای نهفته در نهانخانه دل را با
لبخندی از لعل لبانت به خمخانه آسمانی، مبدل گردانی.

اگر تو بیایی، خاک رخت را برای شفای همه
دردهایمان، بسان مرهمی بر خواهیم گرفت و به تبرک بر
صحن سینه مان خواهیم افشاند و بر تربت نیای تو، سالار
شهیدان - حسین علیه السلام - سجده سپاس خواهیم گزارد.

صاحب! دوست داریم دل نا آرام ما را با نگاه خمارت،
بنوازی و مروارید دیدگان را با دست مهربانت، بچینی و در
کویرستان خشک یأس و کوهستان هراسناک زندگی،
دستمان را بگیری و به سرچشمه زلال حیات رهنمون
سازی، تاجر عه ای از شراب محبت تو را در ساغر شکسته

نیازمان بریزیم و مست ولای تو شویم، و در لوای تو
پیارا میم.

ای مقتدا! همه اهل زمین و زمان، در صف نیاز،
یکپارچه، منتظر ایستاده‌اند، تا به اقتدای تو، در مقابل کعبه
جان، نماز عشق بخوانند و سرود آزادی و ترانه‌رهایی
انسان را در سر تا سرگیتی، سر دهند.

دلدارا! اگر تو بیایی، حرم دل را از وجود اغیار، خواهیم
پیراست و زنگار ظلمت نادانی را به نور رخ و روان تو،
خواهیم زدود، و ناپاکی جان را با زلال عصمت و طهارت
وجود شریف تو، تطهیر خواهیم نمود.

چرا که تو، از تبار خورشیدی و از خاندان مهر و
عصمت. همان پاکانی که خدا و قرآن، بدین گونه
توصیفشان نمود:

«انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم

تطهیرا»

«خدا چنین می خواهد که پلیدی را از شما خاندان پیامبر، دور سازد و شما را پاک گرداند.» (احزاب - ۳۳)

اگر تو بیایی! خون خویش را، نثار مقدمت می نمایم، چرا چنین نباشد، حال آنکه، گل‌های قائم هستی، پرپر شدند و چراغهای آویخته از شادمانی، در تند بادی از ستم، شکستند، جز خون، چه چیزی بهای مقدم تو خواهد بود؟

ای بازمانده خوبی! ای وارث خون خدا!

می دانیم که خون، میراث نیای تو، سرور شهیدان - حسین علیه السلام - است. مگر نه اینست که او، قلب خویش، خلوتگه معشوق سبحانی ساخت و جان خود به کف گرفت و با افشاندن خون خود، در کشتزار آسماء، در کالبد کلمه‌ها، روح دمید و انسان‌های در بند را، از نادانی، سرگردانی و کجروی رهانید؟

همان خونی که بهای یک قطره‌اش را، روح الامین، می داند و بس! همان خونی که تا قیامت می جوشد و

اندیشه‌های پنهان زمان را بر می‌انگیزد و همان خونی که
مظلومیت هابیل و یحیی و اصحاب اخدود و ... را در باور
تاریخ نشانید!

همان خونی که در جوشش است تا خورشید، از مغرب
برآید و غبار تلخ غربت را از آینه کعبه ابراهیم بزداید! همان
خونی که بتکده‌های عصر را یکسره ویران نماید و بت‌ها را
واژگون سازد و گلبانگ توحید را در جای جای گیتی در
افکند!

سیدا! در شبهای قدر، آنگاه که قرآن را بر سر نهاده
بودیم - در مهمانی خداوند - حضور روشن تو را، نیایش
کردیم. با رمضان، که وداع نمودیم، با دلی داغدار، کریمه
اهل بیت - فاطمه معصومه علیها السلام - را مخاطبِ جان بی‌قرار
خود ساختیم!

ای دخت محبوب موسی بن جعفر!
خود می‌دانی که ما سوختگان فراق جانان هستیم و

چشم‌براه سپیده دم حضور! فاطمه علیها السلام آیا فصل وصال
نزدیک نیست؟

راستی، سقر کرده عشق، کی باز خواهد گشت؟
اما چه دشوار است سخن گفتن در محضر بانویی که
سالکان محبت، عارفان حقیقت، دوستداران عدالت و
کوشندگان شریعت، در پیشگاهش، در هر برهه‌ای از زمان،
زانوی ادب بر زمین نهاده‌اند و توشه‌های بصیرت
اندوخته‌اند.

چراغ مرده کجا و شمع آفتاب کجا؟
چه کنیم؟ دیگر بی‌تاب گشته و زکف! قرار گریخته،
شوریده جان و آشفته حال، سر بی‌سامان، به هر سوی
می‌گردانیم، شاید آدینه‌ای از راه رسد! شاید دیدار ساقی
آسان گردد و به کام خشکیده منتظران، شراب نابی فرود
ریزد!

محبوبها! اگر ما قدرت اسلام و سعادت امت پیامبر را

انتظار داریم؛ شما را هم در انتظار گشایش روشنایی می‌نگریم. دریغا! یکی مسجود فرشتگان مقرب بوده و دیگری اسیر خاکدانی زیسته و حسرتها به دیدگانش ریخته! شما هم به انتظار ظهور ایستاده و یکسر افاضه فیض می‌کنید و خیر و صلاح جامعه و جهان بشری را رقم می‌زنید... و ما هم روسیاه، با کوله‌باری از گناه و درد، سخت بی‌پناه!

خود را برای آمدنت، مهیا می‌کنیم، شاید به بارگاه خدا راه یابیم!

صف‌های نور را فشرده‌تر می‌نماییم! آه! با کدام عمل صالح؟ با کدامین باور سبز؟ شرمساریم و پشیمان! عذر خواهیم و حیران!

اماما! درد ما را، درمان تویی!

خدایا! به روی بندگان سیه‌کار خویش، باب توبه گشاده‌ای و دربانش را کوثر نهاده‌ای!

بر ماست که دامانش را بگیریم و زیبایی ات را، نظاره گر
باشیم.

رُخْش، آینهٔ جمال لایزال توست. کلامش بر خاسته از
بستر سرشار دانایی ات. فروتنی و فرمان پذیری اش، شاهد
رسالت است و آیهٔ سکوت و قبول فرشتگان معترض در
آستانهٔ خلقت آدم.

آری به فاطمه علیها السلام پناه می بریم، که وجیه الله، کلمه الله و
قانته الله، اوست.

قطب عالم امکان و کانون قدس و تجلی رحمت و
مغفرت، دیده می گشاییم و دست نیاز به سمت قله تطهیر -
فاطمه علیها السلام - دراز می کنیم، به طمع شفاعتی و نیل به
دلدایتی!

اماما! اکنون، بیست بهار بر شجرهٔ طیبهٔ جمهوری
اسلامی، گذر کرد. و جشن بلوغ انقلاب را گرفته ایم. امروز -
شانزدهم بهمن - را، روز وحدت، انتظار و امام زمان،

خوانده‌ایم و در بیت امام و همسفر خواهران منتظر شده‌ایم
و نوای هجرانت رابه گوش جان شنیده‌ایم:
شده روز وعده من و تو دل گرفتار هجر رویت شد
دل من آواره گشته اگر ذره‌ای مست عطر بویت شد
اماما! اینک، همه با هم، همدل و همراه، خویشان را در
راستای ظهور رحمت تو، مهیا می‌کنیم.

* * *

محقق سخت کوش، جناب حجة الاسلام و المسلمین
آقای عبدالرحمن انصاری، وظایف منتظران امام عصر
(عج) را به رشته تحریر کشیده، و انتشارت زمینه‌سازان
ظهور امام عصر (عج)، افتخار نشر آن را عهده‌دار شده
است.

عذرا انصاری

روز شهادت امام صادق علیه السلام مطابق با ۲۲ بهمن ۷۷

پیش‌گفتار

از مباحث بسیار مهم و بحث‌انگیز در میان دوست‌داران پیشوای دوازدهم، حضرت مهدی -عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف - مساله «انتظار فرج» است.

دیدگاه‌ها و سخن‌های صاحب‌نظران در این باره، به قدری متفاوت و گوناگون است که برخی، کاملاً متضاد به نظر می‌رسند.

برخی انتظار را به سستی، تبلی، رها کردن وظایف مهم اجتماعی، سکوت و بی‌تفاوتی در برابر ستم‌ها، تباهی‌ها و فسادها تفسیر کرده‌اند و فقط آن حضرت را در قلب دوست‌دارند و به ظاهر، منتظر او هستند که ره‌آورد این نوع انتظار، بی‌حرکی، یأس و نومیدی در جامعه، و تسلط ستمگران، فاسدان و نااهلان، بر مردم خواهد بود.

روشن است که از دیدگاه مکتب اهل بیت - علیه

السلام - اصحاب و شیعیان واقعی آنان چنین تفسیری از انتظار فرج، خطا و اشتباهی است بس بزرگ که با روح «تشیع» هیچ گونه سنخیتی ندارد.

برخی دیگر که با روح و فلسفه «انتظار» آشنایی داشته‌اند و آن را به خوبی درک کرده‌اند، «انتظار» را به آمادگی روحی و جسمی و پایداری در برابر تباهی‌ها، فسادها و احساس تکلیف، در عصر غیبت حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تفسیر کرده‌اند. از دیدگاه اینان، چون شیعه، منتظر دورانی است که عدالت و برابری، حقیقت و فضیلت، تمام شئون جامعه را در بر گیرد، لذا خود را موظف می‌دانند که مقدمات چنین دورانی را فراهم کنند؛ در خویشتن آن چنان تحولی به وجود آورند که شایسته زندگی در آن دوران باشد؛ دورانی که همه شالوده‌ها به هم می‌ریزد و برنامه‌ها به کلی دگرگون می‌شود. نوع دوستی و عدالت خواهی به کمال خود می‌رسد و در یک کلمه، قرآن و فرمانی الهی در سراسر کره

زمین حاکم می شود. در جوامع پیشین شیعه، مسائلی به چشم می خورد که این نظریه را تأیید می کند.

ابن بطوطه در سفرنامه خود در زمینه ندبه شیعیان حله برای امام زمان -عجل الله تعالی فرج الشریف- می نویسد: «در نزدیکی بازار بزرگ شهر، مسجدی قرار دارد که بر در آن، پرده‌ای حریری آویزان است و آن جا را مسجد صاحب الزمان می خوانند.

شب‌ها پس از نماز صد مرد مسلح، با شمشیرهای آویخته، اسبی یا استری می گیرند و به سوی مسجد صاحب الزمان روانه می شوند، پیشاپیش این چارپا، طبل و شیپور و بوق زده می شود.

سایر مردم در دو طرف این دسته حرکت می کنند و چون به مشهد صاحب الزمان -عج الله تعالی فرج الشریف- می رسند در برابر در ایستاده، آواز می دهند: «بسم الله ای صاحب الزمان، بسم الله بیرون آی که تباهی روی زمین را فراگرفته و ستم فراوان گشته، وقت آن است

که برآیی، تا خدا به وسیله تو حق را از باطل جدا کند و به همین ترتیب به نواختن بوق و شیپور و طبل ادامه می دهند^(۱)».

بنابراین، باید پیش از انتظار فرج، شایستگی های لازم را در خود به وجود آورد، و سپس منتظر حکومت حقه و عدالت گستر حضرت مهدی (عج) بود و برای قرار گرفتن در صف یاران و منتظران آن حضرت، کوشش ها، تحمل سختی ها و ریاضت ها لازم است؛ چون انسان می خواهد در صفی قرار گیرد که تمام انبیا، امامان، مصلحان و پرهیزگاران آرزوی قرار گرفتن در آن صف را داشته اند.

کوتاه سخن این که چون پذیرفتیم که انتظار فرج، به معنای انتظار دولت و حکومت آل محمد صلی الله علیه و آله است و این حکومت بر پایه عدل مطلق استوار است، پس باید آمادگی فداکاری در راه تحقق و استقرار آن حکومت را در حد از

۱. محمد حکیمی، فجر ساحل، ص ۵۴ (به نقل از سفرنامه ابن بطوطه ترجمه ... ص ۲۱۳ - ۲۱۴).

جان‌گذشتن و پذیرش تمام مفاهیم و قوانین حاکم بر آن دوران را در خود ایجاد نماییم؛ روح و جسم را نیرومند سازیم و هواهای نفسانی را مهار کنیم، آگاهی و دانش خود را بالا برده و معارف الهی را آن‌طور که هست به خوبی فرا گیریم تا بتوانیم در صف منتظران آن حضرت قرار گیریم. در این مجموعه هدف آن است که با توجه به روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام و سخنان علما و اندیشمندان اسلامی، صفات و ویژگی‌های منتظران واقعی بیان شود. امید است که خداوند متعال عنایت کند و ما را از منتظران واقعی آن حضرت قرار دهد.

وظایف شیعیان در دوران غیبت

وظایف و مسئولیت‌هایی که دوران غیبت، بر عهده شیعیان است، از نظر اهمیت، و تأثیرش در تربیت و رشد انسان‌ها و نزدیکی و تقرب به خداوند، بسی با اهمیت‌تر از وظایفی است که در زمان حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر عهده مسلمانان بوده است؛ زیرا در زمان نبوت پیامبر گرامی اسلام، مردم از آن بزرگوار کرامات و معجزاتی مشاهده کردند و از نزدیک به سخنان آن حضرت گوش می‌دادند و نیز اعمال و رفتار وی را مشاهده می‌کردند که این خود می‌توانست در باورها، گرایشها و اعمال مردم، تأثیر بس شگرفی را ایجاد کند. در آن زمان مردم مسایل و معارف اسلامی را مستقیماً از معصومان علیهم السلام دریافت می‌کردند که هیچ‌گونه شک و تردیدی را در دل باقی نمی‌گذاشت. و نیز عنایات و تاییدات الهی نسبت به معصومان علیهم السلام را به طور

مکرر به چشم خود می‌دیدند. از سویی شخصیت معنوی و علمی آنان برای دوستان و ایمان آورندگان، آثار بس مهم روحی، فکری و رفتاری را به وجود می‌آورد که در دوران غیبت چنین چیزی وجود ندارد؛ گرچه در زمان غیبت نیز عده‌ای بسیار محدودی مشاهده و دریافت معارف از حضرت بقیه الله الاعظم (عج) میسر شده است، ولی این موارد استثنایی را نمی‌توان در محاسبات کلی منظور کرد. با عنایت به مسایل مذکور، هر گاه فرد مخلص و با ایمانی بتواند وظایف خود را در دوران غیبت، به خوبی انجام دهد، طبیعی است که ارزش و پاداش بس ارزنده‌ای را کسب می‌کند و به مرحله مهمی از کمال می‌رسد.

از روایات متعددی نیز این معنا استفاده می‌شود که انجام وظایف الهی و ثابت قدم بودن بر عقیده صحیح در دوران غیبت، بسی بها ارزش‌تر و پر اهمیت‌تر از دوران ظهور است. و ما در این جا به عنوان نمونه به چند روایت اکتفا می‌کنیم:

۱ - عن ابی جعفر علیه السلام قال، قال: رسول الله -صلى الله عليه واله- ذات يوم و عنده جماعة من اصحابه، «اللهم لقنى اخوانى» مرتين. فقال: من حوله من اصحابه: اما نحن اخوانك يا رسول الله؟ فقال: لا.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: آن حضرت روزی در حضور جمعی از اصحاب خود دو مرتبه فرمود: پروردگارا! دیدار و ملاقات برادرانم را نصیبم فرما. اصحاب عرض کردند: مگر ما برادران شما نیستیم؟ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود: خیر!

انکم اصحابی و اخوانی قوم فی اخر الزمان امنوا ولم یرونی، لقد عرفنیهم الله باسمائهم و اسماء ابائهم من قبل ان یخرجهم من اصلاب ابائهم و ارحام امهاتهم، لاحدهم اشد بقية علی دینه من خرط الفتاد فی اللیلة للظلماء، او کالقا بض علی جمر الغضا، اولئک مصابیح الدجی ینجیهم الله من کل فتنة

غبراء مظلمة؛^(۱)

«شما اصحاب و یاران من هستید، و برادران من کسانی هستند که در آخرالزمان می آیند. آنها ایمان می آورند در حالی که مرا ندیده اند. خداوند اسامی آنها و پدرانشان را برای من بیان کرده پیش از آنکه متولد شده باشند. آنها در پایداری نسبت به دین، بسیار قوی تر و پایدارتر از کسانی هستند که در شب تاریک در بوته خار دست کشند، یا آتش فروزانی در دست گیرند. آنان چراغ های دوران تاریکی هستند همانا خداوند آنها را از هر فتنه ای نجات خواهد داد».

۲ - امام جعفر صادق - علیه السلام - از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره اجر و پاداش زیاد مؤمنان در دوران غیبت، چنین نقل می کنند:

«عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله - صلی الله علیه

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳ - ۱۲۴، حدیث هشتم.

واله:- سیأتی قوم من بعدکم الرجل الواحد منهم له اجر خمسين منکم، قالوا؛ یا رسول الله نحن کنامعک بیدر واحد وحنین، و نزل فینا القران، فقال: انکم لو تحملوا لما حُمَلوا لم تصبروا صبرهم؛^(۱)

بعد از شما گروهی بیایند که برای یک نفر از آنان به اندازه پنجاه نفر از شما اجر و مزد منظور گردد. عرض کردند: ای رسول خدا، ما در جنگ‌های «بدر» و «احد» و «حنین» در کنار شما بودیم، در راه خدا جنگ‌ها کردیم، و قرآن در زمان ما نازل شد. پیامبر اسلام ﷺ در پاسخ فرمود: اگر مشکلات و سختی‌هایی که برای آنها پیش می‌آید و آنان در مقابل، پایداری و مقاومت می‌ورزیدند برای شما پیش می‌آمد، نمی‌توانستید مانند آنها پایدار، و ثابت قدم باشید».

۳- پیامبر اسلام ﷺ به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰، حدیث ۲۶، الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص

«یا علی! و اعلم ان اعظم الناس یقیناً قوم یکنونون فی
 آخرالزمان لم یلحقوا النبی و جحب عنهم الحجة فامنوا بسواد
 فی بیاض؛^(۱)

بزرگترین مردم از جهت یقین، افرادی هستند که در
 آخرالزمان می آیند؛ زیرا آنان پیامبر خدا را مشاهده نکرده
 و حجت خدا (امام عصر (عج)) در غیبت است، ولی آنها به
 خطوط ترسیم شده بر کاغذ (قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام)
 ایمان می آورند.

با دقت در روایات مذکور و احادیثی نظیر اینها، جایگاه
 حقیقی منتظران و اهمیت مسئولیتشان در عصر غیبت
 آشکار می شود و ما در این جا به برخی از وظایف منتظران
 آن حضرت در عصر غیبت، اشاره می کنیم.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵، حدیث ۱۲؛ بینایع الموده، ج ۳، ص ۱۶۹.

شناختن امام عصر (عج)

از حدیث‌های فراوانی استفاده می‌شود آنان که منتظر ظهور دولت آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هستند و آرزو دارند که حضرت مهدی (عج) هر چه زودتر قیام کند و حکومت جهانی اسلامی‌اش را تشکیل دهد، لازم است که امام زمان خود را به خوبی بشناسند، تا فریب مدعیان مهدویت را که در طول تاریخ غیبت نیز فراوان بوده‌اند - نخورند - . و به همین سبب است که می‌بینیم روایات فراوانی از ناحیه معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وارد شده که نام و کنیه امام عصر (عج) چیست؟ فرزند کیست؟ از نظر جسمی چه خصوصیتی دارد؟ اصحابش دارای چه صفاتی هستند؟ از کجا ظهور می‌کند؟ پیش از ظهورش چه حوادثی اتفاق می‌افتد؟ اگر ظهور کند چه کارهایی انجام می‌دهد؟ از نظر اقتصادی، جامعه به چه مرحله‌ای می‌رسد؟ علم و صنعت به چه

مرتبه‌ای از کمال می‌رسد؟ فکر و اندیشه مردم به چه درجه‌ای ارتقاع می‌یابد؟ چه امدادهای غیبی به کمک آن حضرت می‌آیند؟ و دهها پرسش نظیر اینها برای آن است که منتظران واقعی آن حضرت با بصیرت و آگاهی کامل او را بشناسد و در برابر کسانی که با هوس‌های نفسانی و یا به تحریک‌های اجانب و دشمنان اسلام، ادعای مهدویت می‌کنند، بایستند و چهره منافقانه آنان را آشکار نمایند، تا آنها نتوانند از جهل و بی‌خبری جماعه استفاده کنند و به اهداف پلید و شیطانی خود نایل آیند. اگر چه درباره لزوم شناخت آن حضرت روایات زیادی وارد شده، ولی در این جا برای نمونه به چهار روایت اشاره می‌شود:

۱- قال رسول الله ﷺ: من مات و هو لا يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية؛ و پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده

است (۱)».

۲- «عن الفضیل بن یسار قال: سألت إبا عبد الله -عليه السلام-
عن قول الله -عز و جل- «يوم ندعوا كل اناس يا امامهم» فقال:
يا فضيل! اعرف امامك. فانك اذا عرفت امامك لم يضرک،
تقدم هذا الامر او تأخر و من عرف امامه، ثم مات قبل ان يقوم
صاحب هذا الامر، كان بمنزله من كان قاعداً في عسكرة لابل
بمنزلة من كان قاعداً تحت لوائه و رواه بعض اصحابه بمنزلة
من استشهد مع رسول الله صلى الله عليه وآله؛

فضیل بن یسار می گوید: از امام صادق عليه السلام درباره این
آیه پرسیدم. حضرت فرمود: امام خود را بشناس؛ زیرا اگر
امام بشناسی، تأخیر و تقدیم این امر (ظهور حضرت مهدی
(عج))، به توزیان نمی رساند، هر کس امام خود را بشناسد
و پیش از ظهور صاحب الامر از دنیا برود، همانند کسی
است که در لشکرگاه آن حضرت بوده بلکه بالاتر، مانند

شیخ مفید، الرسالة الاولى فی الغیبه، کتاب هفتم.

کسی است که در زیر پرچم آن حضرت نشسته باشد و در برخی روایات دارد که چنین فردی همانند کسی است که در رکاب رسول خدا به شهادت رسیده باشد.

آن چه که در این روایت بر آن تأکید زیادی شده مسأله شناخت امام عصر (عج) است؛ هر چه معرفت انسان بیشتر شود تکالیف و وظایف خود را بهتر درک می‌کند و به آنها عمل می‌کند. مسأله مهم، عمل به وظیفه و تکلیف است، و این فرقی نمی‌کند که ظهور آن حضرت، زود انجام شود یا دیر. اگر انسان شناخت صحیحی نسبت به امام علیه السلام پیدا کند از نظر پاداش و اجر اخروی، همانند کسی است که در رکاب آن حضرت آمده اطاعت از دستوره‌های او است.

۳- «عن الفضیل بن یسار قال: سمعت ابا جعفر یقول: من مات و لیس له امام مات میتة جاهلیة و من مات و هو عارف لامامه لم یضره تقدم هذا الامر او تأخر و من مات و هو عارف

لامامه کان کمن هو مع القائم فی فسطاطه^(۱)؛ فضیل می گوید:
 از حضرت امام محمد باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر کس
 بمیرد و امام و رهبری نداشته باشد به مرگ جاهلیت از دنیا
 رفته است، و هر کس بمیرد و امامش را شناخته باشد،
 تقدیم و تأخیر ظهور زبانی به وی نمی رساند - سپس برای
 تأکید نسبت به شناخت امام ادامه می دهد - و هر کس
 بمیرد و امام عصر (عج) خود را شناخته باشد، همانند
 کسی است که در خیمه آن حضرت در حضورش باشد».

۴- عن عبدالله بن عجلان عن ابی عبدالله علیه السلام - قال:
 «من عرف هذا الامر ثم مات قبل ان يقوم القائم علیه السلام - کان له
 مثل اجر من قتل معه»^(۲)

عبدالله عجلان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که:
 هر کس این امر (امامت حضرت مهدی (عج)) را بشناسد،
 و پیش از ظهور آن حضرت از دنیا برود، اجر و مزد کسی را

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۲، ح ۵۶.

۲. همان، ص ۱۳۱، ح ۳۱.

دارا است، که در رکاب آن حضرت به شهادت رسیده باشد».

۵- حضرت عبدالعظیم حسنی نقل می‌کند: «خدمت حضرت امام حسن عسگری - علیه السلام - رسیدم و عرض کردم می‌خواهم معارف و اعتقادات دینی خود را حضورتان عرضه بدارم - تا اگر در آن اشکالی باشد اصلاح شود - حضرت فرمود: بیان کن، من هم تمام عقاید خود را ذکر کردم و نام ائمه علیهم السلام را بردم. آن گاه پرسیدم: امام بعد از شما کیست؟ فرمود: «ابنی محمد هو الامام الحجة بعدی، من مات و لم يعرفه مات ميتة جاهلیة؛ فرزندم محمد امام و حجت خدا بعد از من است، هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است»^(۱).

از این نمونه روایات که بسیار است به خوبی استفاده می‌شود که منتظران و شیعیان باید امام زمان خود را بشناسند.

۱. المیزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۷۷-۲۴۶.

منتظر ظهور بودن

از وظایف مهم دیگر منتظران در زمان غیبت، در انتظار فرج و ظهور امام عصر (عج) ماندن است؛ یعنی این که خود را آماده ظهور حضرت کنند و تمام صفات و شرایط لازم را دارا شوند تا بتوانند در رکاب آن حضرت انجام وظیفه و جهاد کننده فردی که منتظر ظهور دولت آل محمد صلی الله علیه و آله است و خود را آماده کرده تا به دستورهای امامش عمل کند، نمی تواند دست روی دست بگذارد و هیچ اقدامی نکند و فقط در دل، انتظار ظهور امام زمان (عج) را داشته باشد؛ بلکه باید مانند سربازی باشد که تمام ابزار جنگی خود را مهیا کرده و در انتظار فرمان حمله است اگر شخصی در انتظار بزرگ و با شخصیتی باشد، تلاش می کند که منزل خود را کاملاً مهیا و آماده کند. وسایل پذیرایی را در حد مطلوب فراهم می کند. اتاق پذیرایی مهمان را به

صورنی زیبا تنظیم می‌کند. جایگاه نشستن مهمان را از قبل آماده می‌کند و مطالبی که باید با وی مطرح کند، کاملاً پیش بینی می‌کند. بیرون خانه را تمیز و مرتب می‌کند. و با این کارها خود را منتظر واقعی آن مهمان بزرگ قرار می‌دهد حال که قرار است آن مصلح جهانی، با ظهورش تحولی بسیار شگرف در جهان ایجاد کند و کاری کند که تا حال کسی از انبیا و ائمه چنین کاری انجام نداده است. چه کسی می‌تواند ادعا کند که من در انتظار ظهور آن حضرت هستم؟ کسی می‌تواند چنین ادعایی را بکند که از هر جهت، تسلیم محض حق و حقیقت و امام زمان خود باشد و تمام وابستگی‌های مادی که او را از پیروزی حق باز می‌دارد از خود دور کرده باشد و تمام نفسانیات و غرایز خود را مهار کرده باشد و به مرحله‌ای رسیده باشد که جز خواست خدا و امام زمان خود را در مسیر دیگری قرار ندهد. درباره انتظار فرج، اهمیت و ارزش آن، روایات بسیار ارزنده و فراوانی داریم:

- ۱- افضل اعمال امتی انتظار الفرج^(۱)؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: برترین عمل امت من، انتظار فرج است.
- ۲- قال امیر المومنین علیه السلام: انتظر والفرج و لا تأسوا من روح الله فان احب الاعمال الی عز وجل انتظار الفرج؛^(۲) مولای متقیان حضرت امیر مومنان علی علیه السلام می فرماید: «منتظر فرج باشید و از رحمت الهی ناامید نشوید، همانا بهترین اعمال در پیشگاه خداوند، انتظار فرج است».
- ۳- «عن الفیض بن المختار قال: سمعت ابا عبد الله - علیه السلام - قال: من مات منكم و هو منتظر لهذا الامر کمن هو مع القائم فی فسطاطه قال: ثم مکث هنیئة ثم قال: لابل کمن قارع معه بسيفه، ثم قال: لا والله الا کمن استشهد مع رسول الله صلی الله علیه و آله»^(۳) فیض پسر مختار از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت در اهمیت انتظار فرج می فرماید: هر

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸، ح ۲۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳، ح هفتم.

۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۲۶، ح ۱۸.

کس از شما از دنیا برود در حالی که در انتظار فرج باشد، همانند کسی است که در خیمه حضرت قائم علیه السلام همراه آن حضرت باشد آن گاه پس از لحظه‌ای درنگ، فرمود: نه، بلکه بدان کسی است که همراه آن حضرت شمشیر بزند سپس فرمود نه، به خدا قسم، همانند کسی است که در رکاب رسول خدا شهید شده است.

از روایات مذکور و نظایر آن که بسیار است، اهمیت و ارزش و معنای انتظار فرج به خوبی آشکار می‌شود روشن است که عملی که این اندازه دارای اجر و مزد بس والا و ارزشمند است جز با گذراندن دوره آمادگی و مهیا بودن برای شرکت در استقرار عدل کامل، و داشتن روحیه ایثارگری، فداکاری و گذشتن از تمام امور دنیوی در صورت ضرورت، امکان پذیر نیست.

راهنمایی و دعوت مردم به سوی خدا

از وظایف دیگری که منتظران و شیعیان به خصوص فقیهان و دین شناسان در زمان غیبت بر عهده دارند، راهنمایی و هدایت انسان‌ها به سوی خدا و دین حق و احکام الهی است.

در دوران غیبت که مردم به امام زمان خود دسترسی ندارند، ممکن است که از این موقعیت، دشمنان دین و شیادان سوء استفاده کرده و مسایل و معارف دینی را به دل خواه خود برای ساده لوحان بیان می‌کنند، لذا بر منتظران دولت آن حضرت هست که کوششی مضاعف انجام دهند. و حقایق و معارف دینی را به روشی مستدل، منطقی و متناسب با فهم افراد جامعه بیان کنند و بدین وسیله آنان را تقویت کنند تا در برابر تهاجم دشمنان اسلام و قرآن و امام زمان، بتوانند ایستادگی کنند و در برابر تبلیغات مسموم و

فریبیده آنها دچار اضطراب و تردید نشوند.

برخی از روایات، به این موضوع اشاره کرده‌اند و نقش علما را در پاسداری از مرزهای عقیده و ایمان مردم، مورد توجه قرار داده‌اند.

حضرت امام هادی - علیه السلام - می‌فرماید: لولا من یبقی بعد غیبة قائمکم - علیه الصلوة و السلام - من العلماء الداعین الیه والدالین علیه والذابین عن دینه بحُجج الله و المنقذین لضعفاء عباد الله من شباک ابلیس و مردته، و من فخاخ النواصب، لمابقی احد، الا ارتد عن دین الله، لکنهم اللذین یمسکون ازمة قلوب ضعفاء الشیعة کما یمسک صاحب السفینه سکانها اولئک هم الافضلون عند الله عز و جل؛

اگر در دوران غیبت حضرت قائم - علیه الصلوة و السلام - نبودند عالمانی که مردم را به سوی آن حضرت فرا خوانند و از دین خدا با برهان‌های الهی دفاع کنند، و بندگان ضعیف و ناتوان را از وسوسه‌های شیاطین و یارانش و نقشه‌های دشمنان اهل بیت نجات دهند، همگی از دین

خدا روی گردان می شدند؛ اما آنها هستند که قلب و فکر شیعیان ضعیف و ناتوان را از اضطراب و لغزش حفظ می کنند.

چنان که ناخدای کشتی، سرنشینان کشتی را در هنگام طوفان از اضطراب و نگرانی باز می دارد. آنان در پیشگاه الهی بالاترین مرتبه را دارا هستند^(۱).

و در روایات دیگری امام باقر علیه السلام می فرماید:

کسانی که سرپرستی (حفاظت) از یتیمان آل محمد صلی الله علیه و آله را عهده دار شوند، - یتیمانی که از امامشان جدا شدند و در جهل و نادانی سرگردانند، و در دست شیاطین (انسانهای شیاطین صفت) و دشمنان ما اهل بیت، گرفتار و اسیر هستند -، و آنها را نجات دهند و از سرگردانی رها سازند و با برهانه‌ها و منطق حق و گفتار ائمه - علیهم السلام - آنان را از وسوسه‌های شیطان و دشمنی ناصبین (دشمنان ما)

۱. محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۲؛ منشیخ الاث، ص ۲۲۳ و معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۴، ص ۲۰۹-۲۰۸.

برهانند، در پیشگاه الهی، از درجات بسیار بالایی برخوردار خواهند شد و برتری که پیدا می‌کنند، بیش‌تر از برتری آسمان بر زمین، عرش، کرسی و حجب (انوار حق) بر آسمان است^(۱)».

از این احادیث و روایاتی نظیر اینها مسئولیت دانشمندان و علمای دینی در دورانی که مردم به امام زمان خود دسترسی ندارند آشکار می‌شود و هم‌چنین ارزش و اهمیت کار آنان کاملاً روشن می‌گردد.

۱. محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۲.

مراجعه به عالمان و حدیث شناسان

از وظایف دیگری که منتظران و شیعیان حضرت ولی عصر (عج) دارند، مراجعه به عالمان و حدیث شناسان در حوادث و مسایلی که برای مردم در دوران غیبت اتفاق می افتد است واضح است که در دوران غیبت، مسایل مختلف و گاه بسیار مهم و سرنوشت سازی پیش می آید. که در برخی اوقات، لازم است انسان در برابر آنها از جان و مال و آبرو و موقعیت خود دریغ نرزد. حال این پرسش مطرح است که در چنین صورتی، وظیفه و تکلیف چیست؟ آیا باید بر اساس فکر، سلیقه و رأی خو رفتار کند، یا این که لازم است به کسانی رجوع کند که با روح اسلام آشنایی داشته باشند و حدیث و قرآن را بشناسند و توانایی استنباط احکام شرعی را از دلیل های مشخص شده از طرف معصومان - علیهم السلام - داشته باشند و در یک کلام بتوانند حکم

خدا و اسلام را بفهمند؟ واضح است که راه دوم را باید برگزیند و به مجتهدان و حدیث شناسان مراجعه نموده، وظیفه خود را به دست آورد و این وظیفه‌ای است که پیشوای دوازدهم حضرت حجة بن الحسن العسگری -روحی و ارواح المومنین لتراب مقدمه الفد- برای مردم معین فرموده است.

می‌دانیم که در زمان غیبت صفرای حضرت ولی عصر (عج) چهار وکیل و نماینده معین فرمودند که به آنها «وکلاى اربعة» گفته می‌شد که به ترتیب عبارتند از: ۱- عثمان بن سعید ۲- محمد بن عثمان ۳- حسین بن روح ۴- علی بن محمد سمري، و مردم مسایل و مشکلات خود را از طریق آن چهار نفر به محضر حضرت ولی عصر (عج) معروض می‌داشتند و آن حضرت به وسیله آنان به مشکلات و مسایل مردم پاسخ می‌فرمود. این روش ادامه داشت تا رحلت نائب چهارم آن حضرت (علی بن محمد سمري) نزدیک شد.

وی چند روز پیش از وفات خود، نامه‌ای که از ناحیه امام زمان (عج) صادر شده بود، برای حاضران قرائت کرد که متن آن چنین است: بسم الله الرحمن الرحيم يا على بن محمد السمري! اعظم الله اجر اخوانك فيك: فانك ميت ما بينك و بين ستة ايام فاجمع امرک و لا توص الى احد فيقوم مقامک بعد وفاتک فقد و فعت الغيبة التامه فلا ظهور الا بعد اذن الله تعالى ذكره و ذلك بعد طول الامد و قسوة القلوب و امتلاء الارض جوراً و سيأتى من شيعتى من يدعى المشاهدة الا فمن ادعى المشاهدة قبل خروج السفينانى و الصيحة فهو كذاب مفتر، و لا حول و لا قوة الا بالله العلى العظيم^(۱) «ای علی بن محمد سمری: خداوند پاداش برادران دینی‌ات را در مصیبت تو زیاد گرداند چون تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. کارهایت را جمع کن (خود را مهیا ساز) ولی کسی را جانشین خود قرار مده؛ زیرا بعد از این، غیبت

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۲۹، و معجم احادیث الامام المهدي، ج ۴، ص ۳۱۷.

کامل (غیبت کبرا) فرا می‌رسد. من تا زمانی که خداوند اذن ندهد، زمانی طولانی نگذرد، دل‌ها قساوت نگیرد و زمین از ظلم وجود پرنشود ظهور نخواهم کرد. در بین شما کسانی پیدا می‌شوند که ادعای دیدن مرا می‌کنند ولی آگاه باشید که پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی، هر کس ادعا کند که مرا دیده، دروغگو است».

روشن است که چون عده‌ای از علمای راستگو و پاکدامن هم چون علامه حلی، مقدس اردبیلی، علامه بحر العلوم و هم چنین عده‌ای از مؤمنان با صداقت، خدمت آن حضرت رسیده‌اند، پس شاید منظور حضرت، این باشد که در زمان "غیبت کبری" اگر کسانی ادعای ارتباط با من را داشته باشند و خود را نماینده من بدانند، یا پیامی و مطلبی را از من به مردم برسانند و از این راه بخواهند تکلیف و وظیفه‌ای برای مردم معین کنند، چنین افرادی را تکذیب کنید و سخن آنان را نشنوید. و این سخن، تأکیدی است برای این که هر کسی، ادعای ملاقات با آن حضرت را

نکند؛ چون با وجود این که آن حضرت چنین فرموده، می بینیم که صدها نفر ادعای ملاقات با آن حضرت را می کنند و اینها کسانی اند که در صداقت و درستی آنها بسی جای تردید است. البته بدیهی است که از پایان "غیبت صغری" باید افرادی باشند تا مردم مسایل و مشکلات مذهبی خود را با آنان مطرح نمایند.

حضرت حجت (عج) به وسیله نایب دوم خود؛ محمد بن عثمان، در ضمن پاسخ به نامه اسحاق بن یعقوب که پرسش هایی کرده بود، می فرماید: و اما الحوادث الواقعة، فارجعوا (فیها) الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم؛^(۱) «در حوادث و مسایلی که پیش می آید، به کسانی که سخنان ما را نقل می کنند (حدیث شناسان و عالمان و مجتهدان) مراجعه کنید؛ همانا آنان حجت های من بر شما هستند. و من حجت خدا در جهان می باشم».

۱. الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۳-۱۱۱۵، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴؛ و الاحتجاج الطرسی، ج ۲، ص ۲۸۳.

معلوم است که منظور از این سخن آن است که، مردم وظیفه دارند در دورانی که به امام دسترسی ندارند و امام غایب است، معارف اسلامی و حوادثی که پیش می آید به حدیث شناسان و فقهای شیعه مراجعه کنند؛ زیرا یا خود باید حدیث شناس و مجتهد باشد یا از کسی که مجتهد است پیروی کنند.

تأکیدی که ائمه: -نسبت به حفظ، نشر و کتاب حدیث داشتند، در همین راستا است که مجتهد آن در زمان غیبت و عدم دسترسی به امام معصوم بتوانند از آنها استفاده نمایند.

امام جعفر صادق علیه السلام به مفضل بن عمر می فرماید: «... اکتب و بث علمک فی اخوانک فان مت فأورث لبنیک فانه یاتی علی الناس زمان هرج لا یأمنون فیه الا بکتبهم»^(۱) (احادیث) را بنویس و دانش خود را میان برادرانت منتشر

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱۱.

گردان، اگر از دنیا رفتی، کتاب‌هایت را برای فرزندانانت به ارث می‌گذاری، همانا زمان هرج (غیبت امام معصوم) فرا می‌رسد که در آن زمان مردم فقط با این کتاب‌ها انس می‌گیرند».

قم حجت الهی است

اصولاً لازم است در هر زمان فرد یا افرادی باشند تا مردم معارف دینی و دستورهای مذهبی را از آنان فراگیرند و بدین وسیله حجت الهی بر مردم تمام گردد و چون خداوند به بندگانش لطف دارد و هدایت آنها را می‌خواهد، امکان ندارد که دورانی بر انسانها بگذرد که آنان دسترسی به مرجع و ملجایی برای یادگیری احکام دین، نداشته باشد.

در روایتی امام جعفر صادق علیه السلام به این مطلب اشاره کرده و می‌فرماید: «فیجعل الله «قم» و اهلها قائمین مقام الحجة و لولا ذلك لساخت الارض باهلها و لم یبق فی الارض

حجة فیفیض العلم منه الی سائر البلاد فی المشرق و المغرب
 فیتتم حجة الله علی الخلق حتی لا یبقی احد علی الارض لم یبلغ
 الیه الدین و العلم؛^(۱) «سپس خداوند (قم) و اهالی آن جا
 (مجتهدان، علما و حدیث شناسان) را به عنوان جانشینان
 حضرت حجت (عج) قرار داد؛ زیرا اگر چنین نمی شد،
 زمین اهلش را نابود می ساخت (مردم در اثر جهالت و بی
 خبری از دین، هلاک می شدند) و در زمین حجتی باقی
 نمی ماند. سپس علم و دانش از آن شهر به سایر شهرها در
 مشرق و مغرب خواهد رسید؛ آن گاه حجت الهی بر بندگان
 تمام شده هیچ کس در روی زمین نیست مگر این که دین و
 دانش به وی می رسد».

محبت و دوستی نسبت به آن حضرت

از وظایف دیگری که شیعیان و منتظران آن حضرت به عهده دارند آن است که، آن حضرت را دوست بدارند و بدانند هر نعمتی که به آنان می‌رسد از برکت وجود اوست. و لذا باید نهایت عشق و محبت را نسبت به وی داشته باشند. گرچه شیعیان موظف هستند که تمام معصومان علیهم‌السلام را دوست بدارند و به آنها عشق بورزند، اما نسبت به دوستی و محبت به آن حضرت به خصوص تأکید شده است؛ زیرا او صاحب، آقا، سرور و امام زمان ما است و شخصیتی است که همه ائمه - علیهم‌السلام - درباره او، به عظمت و بزرگی سخن‌ها گفته و تأکیدها کرده‌اند.

از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده که فرمود: «ان الله عز وجل اوحى الى ليلة اسرى: يا محمد! من خلفت فى الارض على امتك؟ - و هو اعلم بذلك - قلت: يارب اخى قال: يا

محمد! علی ابن ابی طالب؟ قلت: نعم یا رب. قال: یا محمد! انی اطلعت الی الارض اطلاعة فاخترتک منها فلا اذکر حتی تذکر معی انا المحمود و انت محمد، ثم اطلعت الی الارض اطلاعة اخرى فاخترت منها علی بن ابی طالب فجعلته وصیک، فانت سید الانبیاء و علی سید الاوصیاء، ثم اشتقت له اسماً من اسمائی فانا الاعلی و هو علی! یا محمد! انی خلقت علیاً و فاطمة و الحسن و الحسین و الائمة من نور واحد، ثم عرضت ولا یتهم علی الملائكة فمن قبلها کان من المقربین و من حجبها کان من الکافرین، یا محمد! لو ان عبداً من عبادى عبدنى حتى ینقطع ثم لقینى جاهداً لولا یتهم ادخلته نارى.

ثم قال: یا محمد! أتحب ان تراهم؟ قلت نعم. قال: تقدم امامک فتقدمت امامى و اذا علی بن ابی طالب و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد! و موسى بن جعفر، و علی بن موسى و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجة القائم کانه کوكب درى فى وسطهم، فقلت: یا رب من هؤلاء؟ فقال: هؤلاء الائمة و هذا

القائم بحل حلالی و یحرم حرامی و ینتقم من اعدائی یا محمد! احببه فانی احبه و احب من یحبه؛^(۱) «خداوند در شب معراج به من وحی فرمود: ای محمد! چه فردی را در زمین برای مردم جانشین خود کرده‌ای؟ - در حالی که خداوند خود، نسبت به این امر آگاه بود - گفتم: پروردگارا! برادرم را. فرمود: علی بن ابی طالب را معین کرده‌ای؟ گفتم بلی. فرمود: ای محمد! به زمین نظر افکنده‌ام و تو را برگزیدم. پس هرگاه مردم مرا یاد آورند، تو را نیز به یاد خواهند آورد. من محمود هستم و تو محمد هستی. آن گاه بار دیگر به زمین نظر کردم و علی بن ابی طالب را برگزیدم و او را جانشین تو قرار دادم. پس تو سرور پیامبرانی و علی سرور اوصیا است و برای او اسمی از اسم‌های خودم قرار دادم. من اعلی هستم و او علی است.

آن گاه فرمود: علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان را از

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۲۲ - ۲۲۳.

یک نور آفریدم. آن گاه ولایت شما را بر فرشتگان عرضه کردم هر کس از آنان که ولایت را پذیرفتند، از مؤمنان شدند و هر کس از آنها که آن را نپذیرفتند کافر شدند.

ای محمد! هر کدام از بندگانم اگر مرا آن قدر عبادت کند که از شدت عبادت به مرحله نابودی برسد، ولی ولایت شما را نداشته باشد و در آن حال مرا ملاقات کند او را به جهنم خواهیم برد.

سپس فرمود: آیا دوست داری که آنها را ببینی؟ گفتم: آری. فرمود: برخیز. برخواستم و جلو رفتم. ناگاه دوازده امام مشاهده نمودم و حضرت حجة (عج) در میان آنان هم چون ستاره‌ای درخشنده و نورانی بود. گفتم: اینان چه کسانی هستند؟ خداوند فرمود آنها امامان هستند و این که (درخشندگی خاصی دارد) "قائم" است. او حلال مرا حلال و حرامم را حرام می‌گرداند (احکام واقعی مرا برای مردم بیان می‌کند) و از دشمنانم انتقام می‌گیرد. ای محمد! او را دوست بدار؛ زیرا من او را و کسانی که او را دوست

می دارند دوست می دارم».

سبب این که در این روایت، بر دوستی حضرت حجة (عج) تأکید شده، - با این که دوست داشتن همه امامان ضروری و لازم است - شاید این باشد که چون حضرت مهدی (عج)، در دوران کودکی (پنج سالگی) از نظرها غایب شد و در هنگام تولید نیز عده بسیار معدودی بر وجود آن حضرت مطلع شدند، لذا برخی در وجود آن حضرت دچار شک و تردید شدند افزون بر این، در میان انبیا و امامان تنها اوست که دین حق و فرمان الهی را در تمام جهان حاکم می گرداند و در دوران حکومت اوست که در روی زمین تنها، خدا پرستش می شود و شرک و بت پرستی و بی دینی از جامعه انسانی رخت بر می بندد، لذا نسبت به دوستی و عشق به آن حضرت تأکید بیش تری شده است.

در روایت دیگری در همین زمینه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضمن بر شمردن نام های دوازده امام، درباره، حضرت حجة (عج) می فرماید: «من احب ان یلقى الله و قد کمل ایمانه و

حسن اسلامه فلیتول الحجة، صاحب الزمان المنتظر...^(۱)». «هر کس دوست دارد که خدا را با ایمان کامل ملاقات نماید و اسلامش نیکو باشد، باید ولایت حضرت حجت و امام منتظر را دارا باشد. اینان مشعل‌های شب‌های تار و پیشوایان هدایتگر و نشانه‌های پرهیزکاری می‌باشند هر کس آنان را دوست داشته باشد و ولایتشان را دارا باشد من ضمانت می‌کنم که خداوند او را به بهشت ببرد».

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۴۹، (به نقل از غیبت نعمانی، «باب مدح امام زمان» ص ۷۷).

محزون بودن و گریستن در فراق آن حضرت

از وظایف دیگری که دوستان و شیعیان آن حضرت دارند آن است که از فراق و عدم سعادت درک حضور آن حضرت و رنج‌ها و ناراحتی‌هایی که برای آن وجود مقدس پیش می‌آید، محزون و گریان باشند؛ چون غیبت آن حضرت، در حقیقت مصیبتی بس بزرگ است. افزون بر این، خود آن حضرت نیز از این که از نظرها غایب است و نمی‌تواند به طور آشکار مردم را رهبری و هدایت کند و جلوی فساد و بی‌عدالتی را بگیرد، محزون و غمگین است. هم‌چنین از ستمهایی که بر آبا و اجداد طاهرینش روا داشته‌اند، متأثر و گریان است. لذا دوستان و عاشقان آن حضرت نیز به جهت حزن و اندوه آن حجت الهی و محرومیت جامعه اسلامی از فیض حضورش، محزون و اشکبارند و در دعای ندبه می‌خوانیم:

«مولایم! تا کی در فراقت مویه برکشم؟ تا کی در انتظار تو حیران بمانم؟ و با کدام گفتار تو را بستایم؟ چگونه و با چه زبانی؟ آهسته با تو سخن بگویم؟ بسیار دشوار است بر من که از غیر تو پاسخ شنوم و هم سخن گردم. بسیار سخت است بر من که به فراق تو بگریم و مردم تو را واگذارند. آیا کسی هست که مرا یاری دهد تا با او هم ناله شوم؟ و مدتی طولانی با هم بگریم.»

در روایت است که امام جعفر صادق علیه السلام به مفضل بن عمر می فرماید: «... بخدا سوگند، امامتان سالیانی دراز از نظرها غایب خواهد شد و امتحانی سخت برای شما پیش می آید و کار به جایی می رسد که درباره او حرفهای مختلف گفته می شود (مانند این که او) مرده، کشته شده یا در کجا هست؟ همانا مؤمنان بر او گریان خواهند بود.»

در این روایت امام جعفر صادق علیه السلام با صراحت می فرماید: در دوران غیبت آن حضرت، انسانهای مؤمن بروی خواهند گریست، چون از درک حضورش محروم اند

و گروهی درباره آن حضرت سخن‌های غیر صحیح مطرح می‌کنند و در دل مردم شک و تردید ایجاد می‌کنند.

گریه امام صادق علیه السلام بر آن حضرت

مسئله غیبت آن حضرت و محروم بودن شیعیان از درک حضورش و حوادثی که در دوران غیبت پیش می‌آید، آن چنان مهم و مصیبتی بس بزرگ است که امام صادق و امام رضا علیه السلام - بر این مسئله به شدت محزون و گریان و ناراحت می‌شوند.

سدیر صیرفی نقل می‌کند: «دخلت أنا و المفضل بن عمر و أبو بصیر، و أبان بن تغلب علی مولانا أبی عبدالله الصادق علیه السلام. فرأیناه جالساً علی التراب و علیه مسح خیبری، مطوّق بلا جیب، مقصّر الکتفین، و هو یبکی بکاء الواله الثکلی، ذات الکبد الحرّی، قد نال الحزن من و جنتیه، و شاع التّغییر فی عارضیه، و أبلی الدّموع محجریه و هو یقول: سیّدي غیبتک نفت رقادی، و ضیقت علیّ مهادی و ابتزت منّی راحة

فؤادي سيّدي غيبتك أوصلت مصابي بفجايع الأبد و فقد
الواحد بعد الواحد يفنى الجمع و العدد، فما أحسُّ بدمعة ترقى
من عيني و أنين يفتر من صدرى عن دوارج الرّزايا و سوائف
البلايا إلا مثل بعيني عن غواير أعظمها و أفظعها، و بواقى
أشدّها و أنكرها و نوائب مخلوطة بغضبك و نوازل معجونة
بسخطك.

قال سدير: فاستطارت عقولنا ولها، و تصدّعت قلوبنا جزعاً
من ذلك الخطب الهائل، و الحادث الغائل، و ظننا أنّه سمّت
لمكروهة قارعة، أو حلّت به من الدهر باثقة، فقلنا: لا أبكى الله
يا ابن خيرالورى عينيك من أيّة حادثة تستنزف دمعتك و
تستمطر عبرتك؟ و أية حالة حتمت عليك هذا المأتم؟

قال: فز الصادق عليه السلام زفرة انتفخ منها جوفه، و اشتدّ عنها
خوفه، و قال: ويلكم نظرت في كتاب الجفر صبيحة هذا اليوم و
هو الكتاب المشتمل على علم المنايا و البلايا والرّزايا و علم ما
كان و ما يكون إلى يوم القيامة الذي خصّ الله به محمّداً و
الأئمة من بعده عليهم السلام، و تأملت منه مولد غائنا و غيبته و إبطاءه

وظایف منتظران امام عصر «عج»

... السومنین في ذلك الزمان، و تولد
... ارتداد أكثرهم عن دينهم
... التي قال الله تقدس ذكره:
«و كل إنسان الزمان طائره في عنقه» - یعنی الولاية -
فأخذتني الرقة، و استولت على الأحزان^(۱) «من مفضل بن
عمر، ابو بصير و ابان تغلب بر آقای خود حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام وارد شدیم، دیدیم بر روی خاک نشسته و
لباس مخصوصی پوشیده و هم چون کسی که فرزند خود را
از دست داده، با دلی سوخته گریه می کند و حزن و اندوه،
چهره آن حضرت را فرا گرفته و رنگ مبارکش تغییر کرده،
چشم هایش پر از اشک شده و با خود زمزمه می فرماید:
ای آقای من! غیبت تو، خواب را از چشمانم ربوده،
زمین را بر من تنگ کرده و آرامش را از دلم برده. مولایم!
غیبت تو، مصیبت و اندوه مرا به نهایت رسانده است:

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۲ - ۳۵۳، روایت ۵۰.

امامان معصوم، یکی پس از دیگری، از دنیا رفتند و (شهادت آنان) سبب نابودی افراد و جمعیت‌ها اما هیچ‌گاه به خاطر مصیبت‌های گذشته، اشکی از چشم جاری یابد. آه و ناله‌ای از سینه نکشیدیم مگر این که مصیبت‌های هولناک‌تر و سخت‌تر و بزرگ‌تر در برابر چشمانم مجسم شد؛ آن حوادثی که خشم تو را برانگیخته، و با غضب تو عجبین گشته است.

سَدیر گوید: از وضعیت آن حضرت و مشاهده آن حالت و آن اضطراب، نزدیک بود عقل از سرمان بیرون رود و دل‌مان چاک چاک شود و تصور کردیم که یا واقعه‌ای بزرگ در پیش است، و یا مصیبتی عظیم برای آن حضرت پیش آمده است، عرضه داشتیم: خداوند دیدگان را نگریاند ای زاده بهترین مردم! برای چه حادثه‌ای این چنین اشکتان روان است و هم چون باران گریه می‌کنید و چه پیش آمدی باعث شده که این چنین در سوگ نشسته‌اید؟

امام صادق علیه السلام آهی از دل برکشید و بر پریشانی‌اش

افزوده شده و فرمود: وای بر شما! امروز صبح در کتاب خود نگاه می‌کردم و آن کتابی است که مرگ‌ها و بلاها و مصیبت‌ها و آن چه در گذشته بوده یا در آینده خواهد شد در آن هست و آن کتاب را خداوند در اختیار محمد صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام پس از او قرار داده است.

در آن کتاب مطالب مربوط به ولادت، غیبت و طولانی شدن عمر غایمان (امام دوازدهم حضرت مهدی (عج)) و گرفتاری مؤمنان و شک و تردیدهایی که بر اثر طولانی شدن غیبت او برای آنها پیش می‌آید که بیشترشان از دین روی گردان می‌شوند مشاهده نمودم لذا رقت قلب برایم حاصل شد و اندوه‌ها بر من مستولی گشت و این چنین مرا گریان و محزون مشاهده نمودید».

گریه امام رضا علیه السلام بر آن حضرت

دعبل خزاعی نقل می‌کند، آنگاه که قصیده

معروف خود:

مَدَارِسُ آيَاتِ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةِ

وَ مَنْزِلُ وَحْيِ مُقْفِرِ الْعَرَصَاتِ

خدمت آن حضرت قرائت کردم و رسیدم به این قسمت که،
 (خروج امام لامحاله خارج يقوم على اسم الله والبركات يميز
 فينا كل حق وباطل و يجزى عن النعماء والنقمات؛ همانا امامی
 (از خاندان شما) به طور حتم قیام خواهد کرد قیامش بر
 اساس نام خدا و همراه با برکاتی خواهد بود، در میان ما
 حق و باطل را کاملاً از یک دیگر جدا می گرداند و به کسانی
 که کار خوب انجام دهند پاداش می دهد و آنان که مرتکب
 خطا و خلاف شوند مجازات می کند»، امام رضا علیه السلام به
 شدت گریست و از جای خود (برای احترام آن حضرت) بر
 خواست و آن گاه با سر مبارک به من اشاره نمود و فرمود:
 «ای خزاعی! این دو بیت شعر را روح القدس بر زبانت
 جاری کرد»^(۱).

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴، ح چهارم.

عجله نداشتن در ظهور آن حضرت

از روایات متعددی استفاده می‌شود که دوستان و عاشقان آن حضرت، نباید در ظهور آن حضرت عجله نمایند؛ بلکه باید در این زمینه تسلیم امر الهی باشند. با این که برای ظهورش دعا می‌کنند و دوست دارند آن وجود مقدس هر چه زودتر ظهور نماید، ولی لازم است در خود، حالت تسلیم و رضایت به آن چه خداوند صلاح می‌داند ایجاد کنند. اصولاً در اسلام از عجله نمودن و بی‌تابی کردن مذمت شده؛ زیرا اموری که با عجله انجام می‌شود، معمولاً کمبودها و اشکالاتی به همراه دارد. تعجیل در امر ظهور ممکن است، سبب شود که انسان از کسانی که به دروغ ادعای مهدویت می‌کنند پیروی نماید و یا فریب شیادانی را بخورد که مدعی ارتباط با امام زمان (عج) هستند و یا به جهت طولانی بودن دوران غیبت، ممکن است انسان در

وجود آن حضرت دچار شک و تردید شود و سخنان معصومان - علیهم السلام - در این رابطه را تکذیب کند. و برای همین است که ائمه معصوم - علیهم السلام - مردم را وادار به خویشتن داری نموده و آنان را از شتابزدگی و تعجیل در امر ظهور باز می گرداند. در این چاره عنوان نمونه، چند روایت را ذکر می کنیم:

عن ابی عبدالله فی قول الله عز وجل «اتی امر الله فلا تستعجلوه» قال: هو امرنا امر الله لا يستعجل به، یویده ثلاثة اجناد: الملائکه، و المؤمنان، و الرعب، و خروجه علیه السلام کخروج رسول الله صلی الله علیه و آله و ذلك قوله تعالى: «لما اخرجک ربک من بیتک بالحق»؛^(۱)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باده این آیه که می فرماید: «فرمان الهی خواهد آمد، در آن شتاب نکنید»، فرمود: آن امر ماست که (ظهور حضرت حجت علیه السلام در آن

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۹، ح ۴۶.

شتاب کرده امر ظهور انجام نخواهد شد تا این که سه لشکر آن را تأیید کنند: فرشتگان، مؤمنان و ترس و هراسی (که در دل دشمن ایجاد می شود) او (امام زمان (عج)) همان طور که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خدا ظاهر شد، می کند و این سخن خداوند است که می فرماید: «آن چنان که خداوند تو را برای هدایت و راهنمایی مردم از خانهات بیرون آورد».

۲- «... عن ابي عبدالله - عليه السلام - قال: ذكرنا عنده ملوك آل فلان فقال: انما هلك الناس من استعجالهم لهذا الامر، ان الله لا يعجل لعجلة العباد ان لهذا الامر غاية ينتهي اليها، فلو قد بلغوها لم يستقدموا ساعة و لم يستأخروا»^(۱)؛

«ابراهیم بن مهزم از پدرش نقل می کند که گفت: در محضر حضرت امام جعفر صادق عليه السلام بودم که درباره پادشاهان طایفه ای سخن به میان آوردیم، حضرت فرمود: همانا مردم به جهت تعجیلشان برای این امر (ظهور امام

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۶۹، ح هفتم.

زمان (عج) هلاک گشتند. خداوند به خاطر عجله بندگان، عجله نمی‌کند. همانا برای این امر، پایانی است که فرا خواهد رسید؛ پس آن زمان که فرا رسد ساعتی جلوتر یا عقب‌تر نمی‌افتد».

۳- امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

«محاضیر هلاک شدند. راوی عرضه می‌دارد: منظور از محاضیر چیست؟ حضرت فرمود: «عجله کنندگان» و کسانی که عجله نمی‌کنند ولی ظهور را نزدیک می‌شمارند، نجات خواهند یافت^(۱)».

۱. غیبت نعمانی، ح ۱۰۳، باب فیما امر به الیه.

پایداری کردن بر ولایت اهل بیت - علیهم السلام -

پذیرفتن یک عقیده و مذهب بسیار آسان‌تر از حفظ و نگهداری آن است. مخصوصاً اعتقاد به ولایت ائمه - علیهم السلام - به ویژه امام دوازدهم، حضرت حجة بن الحسن العسكري - عجل الله تعالی فرجه الشریف - که به دلیل طولانی شدن غیبت آن حضرت، زمینه‌ای برای ایجاد شک و تردید از سوی دشمنان اهل بیت و شیادان در دل شیعیان فراهم آمده است، و عده‌ای نیز نسبت به اهل بیت و حقانیت آنها گرفتار دو دلی و شبهه شدند و حتی عده‌ای وجود او (امام زمان (عج)) را منکر شدند.

یکی از راویان به نام «صفر بن ابی دلف» می‌گوید: از حضرت امام جواد - علیه السلام - در روایتی شنیدم که امامان بعد از خود را معرفی می‌نماید، از وی پرسیدم: «... یا ابن رسول الله فمن الامام بعد الحسن؟ فبکی علیه السلام بکاءً شدیداً ثم

قال: ان من بعد الحسن ابنه القائم بالحق المنتظر فقلت له: يا ابن رسول الله لم سمى القائم؟ قال: لانه يقوم بعد موت ذكره و ارتداد اكثر القائلين بامامته، فقلت له: و لم سمى المنتظر؟ قال: لان غيبته يكثر ايامها و يطول امدها، فينتظر خروجه المخلصون و ينكره المرتابون و يستهزىء بذكره الجاهدون و يكذب فيها الوقتون و يهلك فيها المستعجلون و ينحو فيها المسلمون؛^(۱)». «ای فرزند رسول خدا! امام بعد از [امام] حسن [عسکری] - عليه السلام - کیست؟ آن حضرت در آغاز بسیار گریست، سپس فرمود: به درستی که [امام] بعد از امام حسن، پسرش [حضرت] قائم به حق، کسی که انتظارش را می‌کشند (منتظر) است. عرضه داشتم: ای فرزند رسول خدا - صلی الله علیه و اله - چرا او را «قائم» نامیده‌اند؟ فرمود: چون او زمانی قیام می‌کند که یادش از بین می‌رود و بیشتر معتقدان به امامتش مرتد می‌شوند.

۱. کمال الدین، ج ۲-۱، ص ۳۷۸، ح سوم، اعلام الوری، ص ۴۰۹.

عرض کردم: چرا او را منتظر (انتظار کشیده شده) گویند؟ فرمود: زیرا او را غیبتی است که روزهایش بسیار و مدتش طولانی خواهد بود، که در آن غیبت (طولانی) انسان‌های مخلص، منتظر ظهورش هستند. و تردید کنندگان او را انکار می‌کنند و منحرفان، یاد او را به مسخره می‌گیرند، و کسانی که وقت (ظهور) را معین کنند دروغگو خواهند بود و شتاب کنندگان در امر ظهور آن حضرت هلاک گردند و تسلیم شدگان در مورد آن حضرت نجات یابند».

در این روایت، حضرت جواد علیه السلام اشاره می‌کند به شک و تردیدها و انکارهایی که درباره آن حضرت در دوران غیبت پیش می‌آید و تنها کسانی را اهل نجات می‌داند که در برابر دستورات و سخنان اهل بیت - علیهم السلام - تسلیم باشند. شک و تردید به خود راه ندهند و از آلودگی‌ها و هواهای نفسانی پاک و منزّه باشند و بر عقیده به آن حضرت پایدار بمانند و خود را برای ظهور حضرتش آماده کنند.

امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید: «قال سید

العابدين عليه السلام: «من ثبت على و لا يتنا فى غيبة قائمنا اعطاء الله اجر الف شهيد مثل شهداء بدر واحد؛^(۱)»

«کسی که در دوران غیبت قائم ما، بر ولایت ما ثابت و استوار باشد، خداوند پاداش هزار شهید همانند شهدای «بدر» و «احد» به وی عنایت خواهد کرد».

احمد بن اسحاق اشعری نقل می‌کند که خدمت امام حسن عسکری عليه السلام رسیدم و درباره امام بعد از آن حضرت از وی پرسش‌هایی کردم آن حضرت پاسخ‌های لازم را فرمود. تا این که عرضه داشتم: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله از این که بر من منت گذاشتی (پرسش‌هایم را پاسخ فرمودی) خوشحالی و سرور بزرگی به دست آوردم. سپس سؤال کردم: «فما السنة الجارية فيه من الخضر و ذی القرنین؟ فقال: طول الغيبة يا احمد، فقلت: يا ابن رسول الله و ان غيبة لتطول؟ قال: اي و ربي حتى يرجع عن هذا الامر اكثر القائلين به

۱. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۲۵، ح سیزدهم؛ اعلام الوری، ص ۴۰۲؛ الزام الناصب، ج ۱، ص ۴۷۰.

فلا يبقى الا من اخذ الله عز و جل عهده بولايتنا، و كتب في قلبه الايمان وايدة بروح منه... (۱)»؛

«چه روش و سستی از «خضر» و «ذی القرنین» در آن حضرت هست؟ فرموده غیبت طولانی. عرض کردم: غیبتش به درازا می کشد؟ فرمود: آری، به خدا سوگند آن چنان غیبتش طولانی شود که بیشتر معتقدان به آن حضرت، از عقیده خود منحرف می شوند، و باقی نماند مگر کسانی که خداوند از آنها بزر ولایت عهد و پیمان گرفته باشد و ایمان در دلشان جای داده باشد. و خداوند آنها را با روح خودش مورد تأیید و عنایت قرار داده باشد».

رسول گرامی اسلام در ضمن روایتی اشاره به این موضوع نموده می فرماید: «...والذی بعثنی بالحق بشيراً ان الثابتین علی القول به فی زمان غیبتہ لا عزمین الکبریت

۱. کمال الدین، ص ۳۸۴ و ۳۸۵، ح یکم: بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۲۳ و ۲۴، ح شانزدهم.

الاحمر^(۱)؛ به خدایی که مرا به حق به عنوان بشارت دهنده فرستاد سوگند که ثابت قدمان بر عقیده به او (حضرت حجت (عج)) در زمان غیبتش از کیمیا (کبریت احمر) کمیاب تر و ارزشمندتر هستند».

از این نمونه روایت که فراوان نیز هست، به نحوی استفاده می شود که یکی از وظایف سنگین و مهم دوستان حضرت حجت، پایداری و استوار بودن به ولایت اهل بیت و اعتقاد به امامت و پیشوایی و حقانیت آنان است؛ مخصوصاً اعتقاد به وجود مقدس حضرت بقیه الله الاعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء است. (۱)

۱. کمال الدین، ص ۲۷۸ و ۲۸۸، روایت هفتم؛ اثبات الهداة، ج ۷، ص ۲۳۶، فصل ۱۹ و منابع الموده، ج ۳، ص ۱۶۳.

دوستی و دشمنی نسبت به دوستان و دشمنان آن حضرت

وظیفه دیگر دوستان و شیعیان امام زمان (عج) در دوران غیبت، دوست داشتن دوستان و علاقه‌مندان به حضرت و دشمن بودن با دشمنان و مخالفان آن حضرت است.

البته مسئله «تولی و تبری» از مراحل اولیه امر به معروف و نهی از منکر است، و انسان مؤمن، موظف است تمام طرفداران حق و مؤمنان و دوستان الهی را دوست بدارد و با دشمنان خدا، دین و ائمه معصوم - علیهم‌السلام - دشمن باشد و هر اندازه کسی بیش‌تر مورد عنایت خدا باشد؛ همانند انبیاء و امامان و پیشوایان معصوم - علیهم‌السلام -، دوستی و محبت انسان نسبت به آنها باید بیش‌تر باشد.

پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «لا یؤمن احدکم حتی اکون

احب الیه من نفسه، و اهلی احب الیه من اهله، و عترتی احب الیه من عترته، و ذریتی احب الیه من ذریته^(۱)؛»

«هیچ کس از شما ایمان نیاورده مگر این که من نزد او محبوب‌تر باشم از خودش و اهل بیت من محبوب‌تر باشد نزد او از اهل بیت خودش و عترت من محبوب‌تر باشد نزد او از عترت خودش و ذریه من محبوب‌تر باشد نزد او از ذریه خودش.»

از روایات متعدد استفاده می‌شود که «ایمان» جز دوستی و دشمنی نیست. و ما در این جا به دو روایت اکتفاء می‌کنیم:

«۱- عن فضیل بن یسار قال: سئلت ابا عبدالله علیه السلام عن الحب و البغض، امن الایمان هو؟ فقال و هل الایمان الا الحب و البغض؛^(۲)».

فضیل بن یسار از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

۱. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۳۶ (به نقل از کنز العمال، روایت ۹۳).

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۲۵، ح ۵.

می پرسد: آیا دوستی و دشمنی از ایمان است؟ حضرت در پاسخ می فرماید: آیا «دین» غیر از دوستی و دشمنی است؟ حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در ضمن روایتی، دوری جستن از دشمنان اهل بیت علیهم السلام در زمان غیبت حضرت مهدی (عج) را یکی از صفات شیعیان بر شمرده و می فرماید:

«۲- طوبی لشیعتنا المتمسکین لحبنا فی غیبة قائمنا، الثابتین علی مولاتنا و البراءة من اعدائنا اولئک منا و نحن منهم، قد رضوا بنا ائمه و رضینابهم شیعة، و طوبی لهم، هم و الله معنا فی درجتنا یوم القیامه؛^(۱)».

«خوشا به حال شیعیان ما؛ آن کسانی که در دوران غیبت قائم ما به دوستی و محبت ما چنگ زنند و بر ولایت ما ثابت قدم باشند و از دشمنان ما دوری گزینند. آنها از ما هستند و ما هم از آنانیم. آنان [از این که ما را به عنوان] ائمه

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، اعلام الوری، ص ۴۰۷، و کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۱۴.

پذیرفته‌اند، خوشنودند (و ما هم از این که آنان را) به عنوان شیعه پذیرفته‌ایم، خوشخالییم.

خوشا به حال آنان، به خدا سوگند در روز قیامت آنها در مقام و درجه ما با ما خواهند بود».

در خصوص دوستی و دشمنی با دوستان و دشمنان امام زمان (عج) روایات فراوانی داریم از جمله:

امام محمد باقر علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «طوبی لمن ادرك قائم اهل بیتی و هو یأتی به فی غیبه قبل قیامه، و یتولی اولیائه و یعادى اعدائه، ذلک من رفقاءى و ذوی مودتى، و اکرم امتی علیّ یوم القیامه؛^(۱)».

«خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک نماید و پیش از ظهورش و در حال غیبتش از او پیروی نماید؛ دوستان او را دوست بدارد و با دشمنانش مخالفت و دشمنی ورزد، چنین کسی از دوستان و محبان من است و

۱. معجم احادیث الامام المهدی (عج)، ج ۱، ص ۱۶۳، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶، حدیث ۲، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۶۸.

در روز قیامت از بهترین افراد امت من خواهد بود». بنابراین این، همان طوری که آن حضرت را باید دوست بداریم و شرط قبولی اعمال ما دوست داشتن آن حضرت است، باید دوستان آن حضرت را نیز دوست داشته باشیم. به آنها کمک نماییم و در حل مشکلاتشان بکوشیم و دشمنان و مخالفان آن حضرت را نیز باید دشمن بداریم و با آنان مخالفت ورزیم و بر ضد آنان و تبلیغات سوءشان اقدام کنیم.

درخواست از خداوند برای شناختن حجت الهی

در زمان غیبت چون شیعه سخت در امتحان و آزمایش قرار می‌گیرد و خطرهای زیادی اعتقادش را نسبت به حضرت حجت (عج)، مورد تهاجم قرار می‌دهد و غیبت آن حضرت نیز طولانی می‌شود، دعاهایی وارد شده که لازم است آنها را مرتب بخواند؛ دعاهایی با این مضمون که انسان از خداوند می‌خواهد که خود و پیامبر حجت خویش را به وی بشناساند.

زراره نقل می‌کند که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «ان للقاءم غیبة قبل ان یقوم، قلت له: و لم؟ قال: یخاف - و او ما یبده الی بطنه - ثم قال: یا زرارة... و هو المنتظر، غیر أن الله تبارک و تعالیٰ یحب ان یمتحن الشیعه فعند ذلک یرتاب المبتلون.

قال زراره: فقلت: جعلت فداک فان ادركت ذلک الزمان

فای شیء، اعمل قال: یا زرارہ ان ادركت ذلک الزمان فالزم
هذا الدعاء:

«اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف
نبیک، اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم
اعرف حجتک اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی
حجتک ضللت عن دینی^(۱)».

«برای قائم پیش از ظهورش غیبتی است. گفتم چرا؟
فرمود: [از دشمنان] می ترسد؛ (زیرا اگر ظاهر بود
دشمنان، آن حضرت را به شهادت می رساندند، لذا از
نظرها غایب شده تا وقت موعود فرا رسد و در آن زمان
دیگر دشمنان قدرت ایستادگی در برابرش را ندارند)
سپس فرمود: ای زرارہ او منتظر است (مردم منتظر
ظهورش هستند) همانا لازم است که خداوند شیعیان را
آزمایش نماید تا طرفداران باطل، شک و تردیدشان روشن

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۲ و ۳۴۳، حدیث ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶
و ۱۴۷، حدیث ۷۰.

شود (افراد سست عقیده شناخته بشوند).

زراره گوید: عرض کردم، اگر چنین دورانی را درک کردم چه کنم؟ فرمود: اگر آن زمان را درک کردی این دعا را مرتب بخوان:

پروردگارا! مرا به خودم بشناسان؛ زیرا اگر خود را نشناسم، پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا پیامبرت را به من بشناسان؛ چون اگر پیامبرت را نشناسم، حجت تو را نخواهم شناخت. خدایا! حجت خود را به من بشناسان؛ زیرا اگر حجت تو را نشناسم از دینم گمراه خواهم شد».

تأکید امام صادق علیه السلام بر مرتب خواندن این دعا، اهمیت آن را کاملاً ثابت می‌کند؛ چون در شرایط سخت و بحرانی و در دوران ابتلا و آزمایش و زمانی که فتنه‌ها از هر سو انسان را احاطه می‌کند، خواندن دعا و درخواست شناختن امام عصر (عج) و حجت الهی از خداوند، به انسان کمک می‌کند که از بحرانش در امان بماند.

ذکر نکردن نام مخصوص آن حضرت

بر اساس روایاتی که وارد شده، شیعیان وظیفه ندارند در بیان غیبت، نام مخصوص آن حضرت را که هم نام آن بزرگوار صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشد (محمد) به زبان جاری نمایند. ذکر نام آن حضرت در کتابها و مقالات، یا با اشاره، یا در مکالمات و یا به صورت پنهانی و آهسته و آرام و بی صدا و بی آواز و آنچه عده‌ای اشکال کرده‌اند و غیره، جایز نیست. حضرت برده نشود، ذکر نام مخصوص آن وجود ستمگر در مجالس و محامع است، هر چند در زمان ترس و خوف باشد؛ مانند زمان ما البته برخی از عده مانند صاحب و سایر الشیعه و غیبه به زبان آوردن نام مخصوص آن حضرت را در همه اعصار و گاه در حال ترس جایز شمرده‌اند. و روایات موجود در این باب در دوران خوف و تقیه کرده‌اند.

مرسدن ... بیخ حر عسلی در وسایل شیعیه روایتی نقل می کند که از ناریه فرمود: «عج» پرسیده شده که آیا آن حضرت را دیده‌ای؟ فرمود: «... ای و الله» ان قال: قلت فالاسم قال بحرم علیکم ان تنالوا عن ذلك. ولا أقول هذا من عذیب ... ان احلل و لا احرم، لکن عنه لایحکم فان الامر عند الله ... ان با محمد صلی و لم یخلف ولداً الی ان قال: «و اذا نزع الیسیم من الطاب فانقوا لیس و امسکوا عن ذلك قول. هذا موضع دلالتی ان وجه النهی التیبه و الخوف؛ آری به خدا سوگند (او را دیده‌ام). به وی عرض شد: نامش چیست؟ فرمود: بر شما حرام است که از این موضوع پرسش داشته باشید. پس می گوید: «...» می گوید که ... که ... انتم ... سخن از جانب آن ...

... انتم ... سخن از جانب آن ...

... انتم ... سخن از جانب آن ...

... انتم ... سخن از جانب آن ...

... انتم ... سخن از جانب آن ...

شود، او را تعقیب می نمایند، پس از خدا پرهیزید و از این موضوع (نام وی) نپرسید. صاحب وسایل الشیعه در ادامه می گوید: «از این روایت به خوبی استفاده می شود که علت نهی از ذکر نام آن حضرت تقیه می باشد»^(۱).

البته در روایات متعددی داریم که علما و فقها از آنها استفاده کرده اند که در زمان غیبت و پیش از ظهور، نام مخصوص آن حضرت را به زبان آوردن حرام است؛ از جمله مرحوم علامه مجلسی^(۲)، شیخ صدوق، شیخ مفید، محقق نوری و غیره^(۳). در این جا به عنوان نمونه روایاتی ذکر می شود.

۱ - اباهاشم جعفری نقل می کند که امام هادی علیه السلام فرمود^(۴): «امام پس از من، فرزندم حسن است. پس چگونه

۱ - وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۸۷، حدیث هشتم.

۲ - بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۲، ذیل روایت پنجم.

۳ - مکبالمکارم، ج ۲، ص ۱۷۴.

۴ - الخلف من بعد الحسن ابنی فکیف بکم بالخلف من بعد الخلف. قلت: ولم جعلنی الله فداک؟ «فقال: الانکم لاثرون شخصه و لایحل لکم ذکره باسمه،

خواهد بود رفتار شما نسبت به امام پس از او؟ عرضا
داشتم خداوند مرا فدایت گرداند

چرا؟، فرمود: زیرا شخص او را نمی بینند و بردن نامش
برای شما حلال نیست! عرض کردیم: پس چگونه او را یاد
کنیم؟ فرمود: بگویید حجة ال محمد ﷺ (۱)».

۲ - از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمود:

«القائم المهدي ابن ابني الحسن، لا يرى جسمه و لا يسمي
باسمه بعد غيبة احد حتى يراه و يعلن باسمه فليسمه كل! الخلق
فقلناله: يا سيدنا فان قلنا صياح الغيبة و صاحب الزمان و
المهدي، قال هو كله جاز مطلقا، و انما نهيتكم عن التصريح
باسمه، الخفي عن اعدائنا فلا يعرفوه».

(حضرت) قائم مهدي فرزند [امام] حسن [عسکری علیه السلام]

فقلت فكيف نذكرة؟ فقال: قولوا الحجة من ال محمد صلوات الله عليه و
سلامه؛

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۲ - ۳۱، حديث دوم، مسعودی، اثبات الوصیه،
ص ۲۶۰؛ ارشاد، مفید، ص ۳۴۹ و بیفینة البحار، ج ۸، ص ۶۴۷.

بعد از غیبتش زیده نمی شود هیچ کس اسم او را نبرد و کسی که
آن حضرت آشکار شود، و تام خود را ذکر نماید، به نوری
که تمام مردم بشنوند برای اینکه دشمنان مخفی بماند و او
را شناسند.

راوی عرضه می دارد: ای آقای ما! اگر بگوییم صاحب
الغیبه، صاحب الزمان و مهدی چگونه است؟ فرمود: تمام
این کلمات جایز است، همانا شما را نهی کردم از این که
نامش را به طور صریح ذکر کنید، برای این که از دشمنان
مخفی بماند و او را شناسند^(۱).

البته از ظاهر این روایت استفاده می شود که اگر دشمنان
اهل بیت او را شناسند، وی را مورد تعقیب و اذیت و آزار
قرار می دهند، لذا دستور داده شد که نامش برده نشود.
گرچه مرحوم محدث نوری معتقد است که عدم ذکر نام
آن حضرت همانند غیبت و طول عمر آن حضرت از

۱ - مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۵ - ۲۸۶، حدیث پانزدهم.

ویژگیهای آن حضرت است و اختصاص به زمان تقیه و خوف ندارد^(۱).

۳ - امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند که عمر از حضرت امیر مؤمنان علی - علیه السلام - درباره حضرت مهدی سؤال کرد: «احبرنی عن المهدی، ما اسمه؟ فقال: اما اسمه فان حبیبی رسول الله صلی الله علیه واله. عهد الی ان لا احدث به حتی یبعثه الله^(۲)؛ حضرت فرمود: حبیبم رسول خدا صلی الله علیه و آله از من پیمان گرفته که نام او را ذکر نکنم تا این که خداوند او را آشکار گرداند».

روایت در این باره بسیار است و چون عده ای فتوا به حرمت داده اند و عده ای آن را مکروه دانسته اند، بهتر آن است که شیعیان در زمان غیبت، نام مخصوص آن وجود مقدس را به صورت آشکار بر زبان جاری ننمایند. برخی از عالمان نیز روایات مطلق را که در خصوص

۱ - همان صفحه ۲۸۶ - ۲۸۷.

۲ - مستدرک الوسایل، ج ۱۲ ص ۲۸۶. روایت شانزدهم.

دوران تقیه و ترس نیست، حمل بر کراهت نموده‌اند؛ از جمله صاحب کتاب «اعیان الشیعه» (مرحوم علامه سید محسن امینی) بعد از ذکر روایاتی چند می‌فرماید: «و حمل الصدوق و جملة من الاصحاب النهی الوارده فی هذه الاخبار علی ظاهره فافتوا بالتحريم (و يمكن) الحمل علی الکراهه لحکمة لا یعلمها الا الله تعالی؛^(۱) مرحوم صدوق و برخی دیگر از علما بر اساس همین روایات فتوا داده‌اند که اسم مخصوص آن حضرت را ذکر نمودن حرام است، ولی ممکن است آنها را بر کراهت حمل نماییم. برای مصلحت و حکمی که فقط خداوند نسبت به آن آگاهی دارد».

۱ - اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۴.

کمک به شیعیان و دوستان آن حضرت

گرچه به طور کلی کمک و احسان و برآوردن نیازهای مؤمنان همیشه و در هر حال بر شیعیان و دوستان آن حضرت لازم است، ولی در دوران غیبت ضرورت بیشتری دارد، زیرا در دوران غیبت است که مردم مرجع و پناهی چون امام معصوم ندارند، و فشار بیشتری بر آنان وارد می شود، لذا نیازمندی های آنان نیز افزون تر می شود. دلیل دیگری که در زمان غیبت باید به یک دیگر کمک کرد این است که در زمان ظهور آن قدر نعمت فراوان است که کسی نیاز به کمک ندارد.

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «تواصلوا و تباروا و اوتراحموا، فوالذی فلق الجنة و برأ النسمه لیاتین علیکم وقت لا یجد احدکم لدیناره و در همه موضعاً - یعنی لا یجد عند ظهور القائم - علیه السلام - موضعاً یعرفه فیه لاستغناء الناس جمیعاً

بفضل الله و فضل و لیه - فقلت: و انی یکون ذلک؟ فقال: عند
 فقدکم امامکم فلا تزالون کذلک حتی یطلع علیکم کما یطلع
 الشمس...^(۱) نسبت به یکدیگر صله رحم انجام دهید. به
 هم دیگر نیکی و کمک نمایید. به خدایی که دانه را شکافت
 و انسان را آفرید، زمانی فرا می‌رسد که برای دادن ثروت
 خود، موردی پیدا نمی‌کنید (یعنی در زمان ظهور حضرت
 مهدی (عج)؛ چون همه مردم در آن زمان از فضل الهی و
 عنایت خدا و حاجتش بی‌نیاز هستند).

راوی گوید: عرضه داشتم: کدام زمان چنین می‌شود؟
 حضرت فرمود:

آن زمانی که امام در میان شما نباشد و همواره چنین
 خواهید بود تا آنکه او طلوع کند، چنانچه خورشید طلوع
 می‌نماید.»

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، حدیث هفدهم و غیبت نعمانی، ص ۱۵۰ -
 ۱۵۱، حدیث هشتم.

معین نکردن وقت ظهور

از روایات متعددی استفاده می شود که هیچ کس نمی تواند وقت ظهور را معین کند. و هرگاه از معصومان - علیهم السلام - درباره وقت ظهور پرسیده شد که بعضی اوقات هم با اصرار زیاد اصحاب روبه رو می شدند، وقت ظهور را معین نمی کردند و همواره می فرمودند: کسانی که وقت ظهور را معین کنند دروغگو هستند. افزون بر این، شعبان وظیفه دارند در برابر کسانی که وقت ظهور را معین می کنند، ایستادگی نمایند و آنها را نکذیب کنند و روایات مربوط به این موضوع را برای مردم بیان نمایند، زیرا با وجود این همه روایاتی که در این باب - مبنی بر این که وقت ظهور نباید مشخص شود و تعیین کنندگان زمان ظهور، دروغگو هستند - باز مشاهده می شود که برخی افراد شیاد از علاقه مردم و عشق آنها به

ظهور آن حضرت، سوء استفاده کرده و از پیش خود زمان‌هایی را معین می‌کنند که آثار بسیار بدی در افکار و عقاید مردم ایجاد می‌کند.

چرا وقت ظهور معین نشده است

حکمت الهی چنین است اقتضا می‌کرده که وقت ظهور مشخص نباشد، چون ظهور آن حضرت وابسته به شرایطی است که تا آنها محقق نشود، امر ظهور انجام نمی‌گیرد. علاوه بر این مشخص نبودن وقت ظهور باعث می‌شود که منتظران واقعی، در حال امید و انتظار و آمادگی بسر برند که این خود برکات و آثار مثبتی دارد. ضمن این‌که افراد در این دوران امتحان می‌شوند و استعدادها به فعلیت می‌رسد، مردان اهل عمل از کسانی که حرف می‌زنند و هیچ‌گونه فداکاری و تحمل رنج و سختی در راه اهداف حضرت حجت علیه السلام را پذیرا نیستند جدا می‌گردند.

گروهی از اصحاب در محضر امام جعفر صادق علیه السلام

نشسته بودند و دربارهٔ مسئله قیام و ظهور صحبت می‌کردند، امام صادق علیه السلام سخنان آنان را شنید و فرمود: «فی ای شی انتم؟ هیهات، هیهات لا والله لایکون ما تمدون الیه اعینکم حتی تغربلو، ... لا والله لایکون ما تمدون الیه اعینکم حتی یشقی من یشقی و یسعی من یسعد^(۱)؛ شما در چه چیز فکر می‌کنید و چه انتظاراتی دارید؟ دوراست (مسئله ظهور) دوراست (مسئله ظهور) نه به خدا سوگند، آنچه شما انتظار آن را دارید نخواهد شد تا غربال شوند (خوب و بد از یک دیگر جدا گردند) و حضرت چند بار قسم یاد فرمود که نخواهد شد و در پایان فرمود: آنچه انتظار آن را دارید محقق نمی‌شود تا افراد شقی و افراد خوشبخت کاملاً مشخص شوند».

۱ - کافی، ج ۱، ص ۳۷۰ - ۳۷۱، حدیث ششم.

سخنان معصومین علیهم السلام در این زمینه

روایات درباره مشخص نبودن وقت ظهور و تکذیب کسانی که وقت را معین می‌کنند زیاد است و ما در این جا برای نمونه به چند روایت اشاره می‌کنیم.

۱ - «عن الفضیل قال: سألت ابا جعفر علیه السلام، هل لهذا الامر وقت؟ فقال: كذب الوقاتون كذب الوقاتون، كذب الوقاتون^(۱)؛ فضیل گوید: از امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم: آیا برای این امر (ظهور) وقتی معین است؟ سه بار فرمود: کسانی که وقت را معین کنند دروغگو هستند».

۲ - مهزم اسدی گوید به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: «أخبرنی جعلت فداک متى هذا الامر الذی تنتظرونه؟ فقد طال. فقال: یا مهزم کذب الوقاتون و هلك المستعجلون و نجا المسلمون و الینا یسبرون^(۲) فدایت سریع. مرا خبرده که

۱ - شیخ طوسی، غیبت، ص ۴۲۵ - ۴۲۶. روایت علیه السلام و کافی، ج ۱، ص ۶۱ حدیث پنجم.

۲ - شیخ طوسی، غیبت، ص ۴۲۶، حدیث ۲۱۳، کافی، ج ۱، ص ۶۱، حدیث سوم.

این امر (ظهور) که ما انتظار آن را داریم چه وقت انجام می شود؟ چون خیای طولانی شد. حضرت فرمود: ای مهزم! کسانی که وقت آن را معین کردند دروغگو شدند و افرادی که عجله نمودند به هلاکت رسیدند و آنها که تسلیم (امر حق) شدند نجات یافتند و به سوی ما خواهند آمد - راه ما را در پیش خواهند گرفت -».

۳ - عن ابی عبدالله - علیه السلام - قال: کذب الموقتون، ما وقتنا فیما مضی، و لانوقت فیما یتقبل^(۱)؛ حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: کسانی که وقت ظهور را معین می کنند دروغگو هستند (ما) در گذشته وقتش را معین نکرده ایم، در آینده نیز وقت آن را تعیین نخواهیم که از این روایات و نظایر آنها استفاده می شود که

حق ندارد وقت ظهور را تعیین کند. نمیکنند
عذل تأکید فراوان نسبت به این مسئله آن است که ثمه علیهم السلام

(۱) در حدیثی دیگر آمده است: «ما یستقبلون» یعنی کسانی که در آینده وقت ظهور را تعیین خواهند کرد.

می دانستند که در آینده افرادی خواهند آمد و برای ظهور وقتی را معین می کنند و بدین وسیله مردم را فریب می دهند و آن گاه که در وقت مشخص شده، ظهور انجام نشود، مردم دچار شک و تردید خواهند شد.

این مسئله باندازه‌ای مورد توجه ائمه علیهم السلام بوده که فرموده‌اند: هرکس به ما نسبت داد که ما وقتی را تعیین کرده‌ایم، آنها را تکذیب نماید. بنابراین، علاوه بر این که تعیین کنندگان زمان ظهور، دروغگو هستند، شیعیان حضرت حجة علیه السلام وظیفه دارند آنها را نیز تکذیب نمایند.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به محمد بن مسلم می فرماید: «یا محمد من اخبرك عنا توقيتاً فلاتها به ان تکذبه فانا لاتوقت وقتاً؛ ای محمد هرکس به شما خبر داد که ما وقت (ظهور) را تعیین کرده‌ایم، بدون تأمل او را تکذیب کنید؛ چون ما برای هیچ کس وقتی را تعیین نخواهیم کرد»^(۱).

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۷، ج ۴۱

برخاستن به هنگام شنیدن نام مبارک آن حضرت

زمانی که نام مقدس آن حضرت برده می‌شود، مخصوصاً اگر با نطق مبارک «قائم» باشد، مناسب است که انسان برای احترام و اظهار ارادت و ادب نسبت به آن حضرت برخیزد و به ایستد. در میان علما و شیعیان از دوران‌های گذشته، در تمام شهرها و در پیش تمام نژادها چنین معمول بوده است.

در روایت می‌خوانیم که: که حضرت امام رضا علیه السلام در یکی از مجالس خراسان هنگامی که دعبل قصیده معروفش را قرائت کرد، و گفت: «عجل الله تعالی فرجه»، آن حضرت ایستاد و دست مبارکش را بر سر نهاد و برای فرج آقا امام زمان (عج) دعا کرد^۱

۱ - مستحب الاثر، ص ۲۰۵ - ۲۰۶، حدیث سوم و دادگستر ج ۱، ص ۱۹۲

برخاستن در هنگام ذکر نام مبارک آن حضرت (حضرت مهدی (عج))، در زمان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نیز معمول بود، و سبب آن نیز از آن حضرت پرسیده شد.

«سئل الصادق علیه السلام عن سبب القيام عند ذکر لفظ (القائم) من القاب الحجة قال: لان له غيبة طولانية و من شدة الرأفة الى احبته ينظر الى كل من يذكره بهذا اللقب المشعر بغربته و من تعظيمه ان يقوم العبد الخاضع لصاحبته عند نظر المولى الجليل اليه بعينه الشريفه فليقم ليطلب من الله جل ذكره فرجه^(۱)؛ شخصی از امام جعفر صادق علیه السلام پرسید: چرا مردم در موقع ذکر کلمه «قائم» قیام می کنند؟ فرمود: حضرت صاحب الامر (عج) غیبتی بسیار طولانی دارد و هرکس وی را با لقب «قائم» که اشاره به دولت او و اظهار تأثر نسبت به غربت آن حضرت دارد یاد کند، آن جناب نیز به خاطر

۱ - منتخب الاثر، ص ۵۰۶، حدیث چهارم، و الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۷۱.

محبت زیادی که به دوستانش دارد، نظر لطفی به او خواهد کرد. و چون در این حال، مورد توجه امام (قائم) واقع می شود و با چشمان مبارکش به آنان نظر می افکند، سزاوار است که به خاطر احترام آن حضرت به پا خیزد و تعجیل فرجش را از خدا بخواهد».

مرحوم محدث نوری از بعضی علما نقل می کند که روزی در محضر امام جعفر صادق علیه السلام اسم مبارک آن حضرت (مهدی عج) برده شد، امام صادق علیه السلام به جهت تسلیم و احترام از جای برخاست ^(۱)

برخی نقل کرده اند که در میان گروهی از اهل سنت مرسوم است که، وقتی نام مبارک حضرت رسول -صلی الله علیه و اله- برده می شود، برای احترام از جای خود برمی خیزند.

حلبی در سیره خود می گوید: «گروه زیادی از علما در

محضر «امام سبکی» نشسته بودند که قصیده‌ای در مدح رسول گرامی اسلام ﷺ خوانده شد و حاضران از جای برخاستند و مجلس را وجد و سرور عظیمی فراگرفت^(۱). بنابراین، برخاستن به هنگام ذکر و اسامی و القاب حضرت حجة (عج) مخصوصاً کلمه مقدس (قائم) برای تعظیم و اظهار ارادت و اعلام آمادگی در راه انجام دستورات آن حضرت و این که ما آماده هستیم تا در رکاب آن حضرت یا دشمنان الهی جهاد کنیم، بسیار شایسته است.

۱ - نجم الثقب، ص ۶۰۵ - ۶۰۶.

دعا برای حفظ دین و مصون ماندن از لغزش‌ها

از جمله وظایفی که برای شیعیان ذکر شده این‌که، برای حفظ دین خود و نجات یافتن از شبهات و فتنه‌های دوران غیبت، از خداوند بخواهند تا بر دین و عقیده خود ثابت قدم باشند و تزلزلی در اعتقادشان به جهت طول غیبت و غیره ایجاد نشود. عبدالله سنان گوید: که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

ستصیبکم شبهه فتبقون بلا علم یری ولا امام هدی ولا ینجو منها الا من دعا بدعا الغریق قلت: کیف دعا الغریق؟ قال: یقول: یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک. فقلت: یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب و الابصار ثبت قلبی علی دینک. قال ان الله عزوجل مقلب القلوب و الابصار و لکن قل كما اقول لک (یا مقلب

القلوب...^(۱)

«به زودی شک و تردیدی در شما ایجاد می شود و بدون پرچم دار و امام هدایت‌گری که او را نبینید، خواهید شد، هیچ‌کس از این وضعیت در امان نمی ماند، مگر افرادی که دعای غریق (فردی که در حال غرق شدن و هلاکت است) را بخوانند. عرضه داشتم دعای غریق چگونه است؟

چنین بگو، ای خداوند! ای بخشنده! ای مهربان! ای دگرگون کننده دل‌ها! قلب مرا بر دینت پایدار کن.
 راوی گوید: من یک کلمه (الابصار) اضافه کردم و گفتم: یا مقلب القلوب و الابصار، حضرت فرمود: البته خداوند، دگرگون کننده دل‌ها و دیده‌ها است، اما همان‌طور که من گفتم، آن را بگو ای دگرگون کننده دل‌ها! قلب مرا بر نیت پایدار کن».

از این روایت نکته جالبی استفاده می شود و آن این که

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۲

شیعه باید به طور کامل بر اساس دستور و فرمان امام خود عمل کند و به خود اجازه ندهد در دستوری که صادر شده و دعایی که به او تعلیم داده می‌شود، یک کلمه هر چند دارای معنای صحیح، اضافه کند و در خود آن چنان روح اطاعت مطلق ایجاد کند که فکر و نظر خویش را در برابر دستور ائمه - علیهم‌السلام - کاملاً رها کند.

این روش تمرینی است برای جلوگیری از انحراف و خارج نشدن از خط مستقیم ولایت؛ چون انسان با کوچک ترین انحراف، از صراط مستقیم خارج شده و در دراز مدت، انحراف به مرحله خطرناکی خواهد رسید که برگشتن از آن راه، بسیار مشکل می‌گردد.

لذا امام جعفر صادق - علیه‌السلام - به کسی که دعای «غریق» را تعلیم می‌دهد و او کلمه‌ای هر چند خوب اضافه می‌کند، با صراحت می‌فرماید:

همان‌طور که من به تو تعلیم دادم بگو؛ یعنی، کوچک ترین کلمه‌ای را کم یا زیاد نکنید.

عمل نمودن به احکام اسلامی

از مسایل مسلم اسلامی این است که چون تعالیم اسلامی فراگیر و جهان مسمول است، لذا می‌بایست در همه مکان‌ها و زمان‌ها به برنامه‌های آن اعم از عقاید، احکام، و مسایل اخلاقی پایبند بود.

واضح است که بر اساس روایات زیادی که وارد شده، در زمان حضور حضرت مهدی (عج) در مواردی قوانین جدیدی اجرا خواهد شد. ولی ما از آن احکام خبر درستی نداریم. افزون بر این، آن احکام مربوط به دوران ظهور آن حضرت است و ارتباطی به دوران غیبت ندارد، لذا وظیفه منحصر به فرد، عمل نمودن به همین دستورات موجودی است که از سوی مجتهدان و فقیهان از ادله معتبر، استخراج می‌شود و به افراد می‌رسد.

تأکید و دستور معصومان - علیهم‌السلام - نیز بر همین اساس

است.

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وظیفه مردم در دوران فتنه (غیبت) چنین بیان می‌کند:

«آنچه را شناخته‌اید بگیرید (به آن عمل کنید) و آنچه را نمی‌شناسید، رها کنید و به آگاهان و خواص خودتان روی آورید (و سخنان) مردم عوام را رها کنید^(۱)». هر آنچه که دلیل صحیحی بر آن دارید، آنها را بپذیرید و آنچه را دلیل معتبری بر آن ندارید، مورد توجه قرار ندهید، و برای رسیدن به معارف و تعالیم دینی، به آگاهان و خواص روی آوردید.

امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

«اذا اصبحت و امسیت لاتری اماماً تأتم به فأحبب من كنت تحب و أبغض من كنت تبغض حتى يظهرك الله عزوجل^(۲)؛ هرگاه صبح کردی یا شب نمودی و امام را

۱ - تاریخ غیبت کبری، ص ۳۸۴ (به نقل از سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۰۸).

۲ - کمال الدین، ص ۳۴۸ و بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۴۸، حدیث ۷۱.

نشدند تا از او پیرایه کنی (دوران غیبت) هر که را از پیش دوست نمی داشتی دوست بدار و با هر که از پیش دشمن بودی دشمن باش تا این که خداوند او را آشکار نماید».

در حدیث دیگر، حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«کیف انتم اذا بقیتم دهرأ من عمرکم لا تعرفون امامکم؟ قیل له: فاذا کان ذلک کیف نصنع؟ قال: تمسکوا بالامر الاول حتی یتیقن^(۱)؛ چه وضعی خواهید داشت؟ هنگامی که مدتی از عمرتان سپری شود و امام خود را به طور کامل با خصوصیاتش که دارد شناسید. (دوران غیبت)؟ به آن حضرت گفته شد: زمانی که چنین شود، وظیفه ما چیست؟ فرمود: به همان امر اول چنگ بزنید تا به حقیقت برسید».

منظور از «امر اول» همان احکام و دستوراتی است که مؤمنان آنها را به عنوان دین پذیرفته اند.

در روایت دیگر زراره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: که آن حضرت فرمود: یاتی علی الناس زمان یغیب عنهم امامهم فقلت له: ما یصنع الناس فی ذلک الزمان؟ قال: یتمسکون بالامر الذی هم علیه حتی یتبین لهم^(۱)؛ زمانی فرا می‌رسد که امام از میان مردم غایب می‌شود. عرضه داشتم: در آن زمان تکلیف مردم چیست؟ فرمود: به همان روشی که داشتید چنگ زنید تا حقیقت روشن گردد».

از این نمونه روایتها به خوبی استفاده می‌شود که وظیفه مردم در دوران غیبت؛ عمل به تمام تعالیم اسلامی است؛ تعالیمی که از سوی خدا و پیامبر و ائمه معصوم علیهم السلام - برای مسلمانان بیان شده است.

تأکید پیشوایان در این زمینه، برای آن است که افرادی پیدا نشوند و از پیش خود یا به عنوان ارتباط با امام زمان (عج)، مسایلی را مطرح کنند و از مردم بخواهند که اینها را

در روایت دیگر زراره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: که آن حضرت فرمود: یاتی علی الناس زمان یغیب عنهم امامهم فقلت له: ما یصنع الناس فی ذلک الزمان؟ قال: یتمسکون بالامر الذی هم علیه حتی یتبین لهم^(۱)؛ زمانی فرا می‌رسد که امام از میان مردم غایب می‌شود. عرضه داشتم: در آن زمان تکلیف مردم چیست؟ فرمود: به همان روشی که داشتید چنگ زنید تا حقیقت روشن گردد».

از این نمونه روایتها به خوبی استفاده می‌شود که وظیفه مردم در دوران غیبت؛ عمل به تمام تعالیم اسلامی است؛ تعالیمی که از سوی خدا و پیامبر و ائمه معصوم علیهم السلام - برای مسلمانان بیان شده است.

تأکید پیشوایان در این زمینه، برای آن است که افرادی پیدا نشوند و از پیش خود یا به عنوان ارتباط با امام زمان (عج)، مسایلی را مطرح کنند و از مردم بخواهند که اینها را

بپذیرند و عمل کنند، یا مثلاً وظیفه مهم امر به معروف و نهی از منکر را رها نمایند تا فساد فراگیر شود و حضرت ظهور نماید.

۱۷

استمداد از آن حضرت در سختی‌ها و مشکلات

انسان به هنگام سختی‌ها و مشکلات و آن زمان که نتواند معضلات خود را از طریق معمولی مرتفع نماید، نیاز به پناهگاه روانی و روحی دارد تا در سایه اتکال به او، بتواند از آن مشکل و گرفتاری نجات یابد. شیعه در مواقع بحرانی، مخصوصاً در دوران غیبت که گرفتاری و مشکلاتش بیش‌تر است، پناهگاه‌های فراوانی دارد که از همه آنها مهم‌تر، وجود مقدس حضرت صاحب الامر (عج) است؛ زیرا او واسطه فیض عالم ماده و ملکوت و حجت خدا بر خلق است. انسان‌های وارسته‌ای که خود را به زینت ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام آراسته‌اند، در هنگام هجوم گرفتاری‌ها از حضرت مهدی (عج) استمداد می‌جویند و آن حضرت نیز چون نسبت به همه امور اشراف دارد و لطف و محبتش نسبت به انسانها مخصوصاً شیعیان زیاد

است، به یاری آنها می‌شتابد.

بسیاری از علما و صالحان به هنگام شدت گرفتاری و ناراحتی که تمام راه‌ها به روی آنها بسته می‌شد، از آن حضرت کمک و استمداد می‌جستند و مشکل خود را بدین وسیله حل می‌کردند؛ زیرا او از حال هرکس در هر کجا که باشد آگاه و بر اجابت خواسته‌اش توانا است و پیوسته فیض وجودش به هرکس به اندازه قابلیت و استعدادش و مراعات مصلحت رسیده و می‌رسد و از توجه به امور مردم غفلت نکرده و نمی‌کند.

حضرت مهدی (عج) در توفیق شریف خود به شیخ مفید می‌فرمود: «فانا یحیط علمنا بانبائکم، و لا یعزب عنا شیء من اخبارکم و معرفتنا بالزلل الذی اصابکم ... انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم و لو لا ذلک لنزل بکم اللواء اصطلمکم الاعداء»^(۱)؛ ما از وضعیت شما آگاهیم و

هیچ حادثه و بلایی به شما نمی‌رسد مگر این که علم ما به آنها احاطه کامل دارد. سپس در ادامه می‌فرماید: ما رعایت حال شما را می‌کنیم، و شما را فراموش نخواهیم کرد و گرنه مشکلات و گرفتاری‌ها شما را در بر می‌گرفت.»

خود ائمه - علیهم‌السلام - دستور داده‌اند که اگر حاجتی داشتید ما را واسطه قرار دهید تا حاجت شما بر آورده شود.

حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌فرماید: «من کانت له الی الله حاجة و اراد ان یرانا، و ان یرف موضعه، فلیغسل ثلاث لیل یناجی بنا، فانه یرانا و یغفر لنا بنا، و لایخفی علیه موضعه»^(۱)؛ هرکسی احساس نیازی به درگاه الهی دارد و دوست دارد ما را ببیند و جایگاه خود در نزد خدا درک کند، سه شب غسل نماید و آن گاه ما را واسطه قرار دهد، به واسطه ما مورد مغفرت قرار می‌گیرد و ما را خواهد دید نسبت به موقعت خود نیز آگاه خواهد شد.»

^(۱) مصدق، ص ۹۰، به نقل از بحار، ج ۵۳، ص ۳۲۸.

الله برآورده شدن حاجت و رفع گرفتاری، خود دارای شرایط ویژه‌ای است که اگر مصلحت باشد و تمام شرایط فراهم گردد تحقق می‌یابد.

از مطالبی که ذکر شد به خوبی روشن گردید که حضرت بقیة‌الاعظم نسبت به همه گرفتاری‌های ما آگاه است و قدرت الهی بر رفع آنها توانا است و اگر مصلحت باشد اقتضا نماید، گرفتاری برطرف خواهد شد.

خودسازی و تزکیه نفس

از وظایف مهم دیگری که مشتاقان حکومت عدل پرور حضرت مهدی (عج) به عهده دارند این است که، از طریق انجام دستورات الهی، ترک گناهان، تزکیه نفس، آراسته شدن به صفات پسندیده و دوری جستن از صفات ناپسند، خود را اصلاح نمایند و برای یاری دین حق با ریاضت، تحمل سختی‌ها، دوری از شهوات و هواهای نفسانی، آمادگی‌های لازم را در خود ایجاد کنند.

البته انسان مؤمن و معتقد به ولایت اهل بیت علیهم‌السلام - در هر حال باید چنین باشد، ولی خودسازی و اصلاح خویشتن در دوران غیبت که زمینه‌های انحراف و لغزش بیش‌تر است، از اهمیت بیش‌تری برخوردار است.

روشن است، در جامعه‌ای که فساد، ظلم و گناه و بی‌عدالتی رواج دارد هرکس در فکر منافع خود و مقام و

موقعیت بهتر است، نمی توان، منتظر ظهور آن حضرت بود و خود را سرباز فداکار آن رهبر الهی به حساب آورد. بنابراین، منتظران ظهور آن حضرت باید ابتدا خود را اصلاح نمایند تا شایستگی زندگی در حکومت صالحان را بدست آورند؛ زیرا فردی که منتظر یک مصلح است باید خود نیز صالح باشد.

در روایات اسلامی نیز به این موضوع اشاره شده است. عن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «... من سره ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر فان مات و قام القائم بعده کان له من الاجر مثل اجر من ادرکه فجد و او انتظروا هیناً لکم ایتها العصابة المرحومه^(۱)؛ کسی که دوست دارد از یاران حضرت «قائم» محسوب شود باید در حال انتظار، ورع و پرهیزکاری را در پیش گیرد و صفات پسندیده و اخلاق

۱ - غیبت النعمانی، ص ۱۰۷. «باب ماروی فیما امر به الشیعه من الصبر» و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

و خطایان را با امانت عجب

در حضور خود امانت نباید.

بسیار است که در این باب

توجه (سج) ظهور

در این مورد بسیار است و هر کس که در این باب

توجه کرده است

بسیار است که در این باب توجه داشته باشد و منتظر آنست که

بسیار است که در این باب توجه داشته باشد و منتظر آنست که

بسیار است که در این باب توجه داشته باشد و منتظر آنست که

توجه داشته باشد و منتظر آنست که در این باب

تا از منتظران و اهل آن حضرت است و بسیار است

صدقه دادن برای سلامتی آن حضرت (عج)

هر اندازه که انسان به خاطر وجود مبارک امام عصر (عج) صدقه می دهد، به همان قدر ارادت و محبت و عشق خود را نسبت به آن حضرت ثابت می کند. اصولاً صدقه ای که انسان می دهد یا برای سلامتی خویشتن است و یا برای سلامتی کسی که به او علاقه مند است و فکر می کند حفظ و سلامتی او برای او می تواند مفید باشد و روشن است که هیچ فردی برای شخص منتظر محبوبتر و مفیدتر از حضرت ولی عصر (عج) نیست، چون تمام نعمت هایی که انسان از آنها استفاده می کند، همانند وجود، حیات، عقل، دین، سلامتی و سایر نعمت های ظاهری و باطنی از پرتو پیشوایان معصوم - علیهم السلام - مخصوصاً آن وجود شریف است.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از جدش امام

زین العابدین علیه السلام نقل می کند که می فرماید: «نحن ائمة المسلمين و حجج الله على العالمين و سادات المومنين و قادة الغر المحجلين و موالی المسلمین و نحن امان لاهل الارض كما ان النجوم امان لاهل السماء و بنايمسك السماء ان تقع على الارض و لو لا ما على الارض منا لساخت باهلها^(۱)؛ ما پیشوای مسلمانان و حجت الهی بر اهل عالم و سرور مؤمنان و رهبر نیکان و صاحب اختیار مسلمانان هستیم. ما سبب آرامش و امنیت زمینیان هستیم، همان طور که ستارگان موجب امنیت آسمانیتان هستند. به واسطه ما است که آسمان بر زمین فرود نمی آید مگر آن گاه که خدا بخواهد. به واسطه ما باران رحمت الهی نازل می شود و برکات زمین بیرون می آید.

اگر ما در روی زمین نبودیم زمین اهلش را فرو می برد». حال که امام معصوم و حجت الهی این چنین موقعیت و

۱ - دادگستر جهان، ص ۲۴۴ (به نقل از منابع الموده، ج ۲، ص ۲۱۷).

جایگاهی در عالم هستی دارد و بقا و تمام هستی انسان، وابسته به آن وجود مبارک است، آیا می‌تواند کسی محبوبتر از آن حضرت باشد و آیا حفظ آن حضرت و سلامتی و شادابی او که محور عالم هستی است، بر هر کس و برخود انسان مقدم نیست؟ بنا بر این باید پیش از هر کس و پیش‌تر از هر فرد دیگری برای سلامتی و حفظ وجود آن حضرت صدقه داد که این خود نوعی اظهار اخلاص نسبت به آن حضرت است و برکات سلامتی وی به خود انسان خواهد رسید.

۲۰

دعا کردن برای آن حضرت

بر انسان منتظر لازم است برای حفظ، سلامتی و ظهور آن حضرت و پیروزی و نصرت آن وجود مبارک بر دشمنان و کافران و منافقان دعا کند که این خود نوعی اظهار ارادت و ابراز محبت نسبت به آن حضرت است.

مرحوم سید بن طاووس در فصل هشتم کتاب «فلاح السائل» در این خصوص می‌فرماید:

«آن‌گاه که دعا کردن به برادر دینی این همه فضیلت و اجر دارد، و آن قدر نسبت به آن سفارش شده است، معلوم است که فضیلت دعا کردن برای سلطان جهان چقدر خواهد بود؛ سلطانی که سبب وجود تو است و به اعتقاد تو اگر آن حضرت نبود، خداوند تو را و هیچ‌کس دیگر را خلق نمی‌کرد و هر چیزی که به تو و هر انسانی می‌رسد از برکت وجود او است.

پس به پرهیز از این که خود یا کسی از بندگان خدا را در دعا کردن بر آن جناب مقدم داری! هم چنین قلب و زبان خود را برای دعا کردن به آن رهبر بلند مرتبه، حاضر و مهیا کن و مراقب باش، تصور نکنی که آن حضرت به دعای ما نیازمند است. هرگاه برای آن مولا دعا کردی، امید است خداوند به جهت آن وجود مقدس، درهای اجابت دعا را برایت بگشاید^(۱)».

دعاهای وارد شده از ائمه معصوم - علیهم السلام - در این باره بسیار است و از جمله دعایی که حضرت امام رضا - علیه السلام - دستور داده برای آن حضرت خوانده شود این دعا است: «اللهم اذفع عن وليك و خليفتك و حجتك^(۲)».

دعای دیگر، دعایی است که خواندن آن در هر حال، مخصوصاً در شب ۲۳ ماه رمضان وارد شده: «اللهم کن

۱ - نجم الثاقب، ص ۵۹۰.

۲ - نجم الثاقب، ص ۵۹۲؛ جمال الاسبوع، ص ۵۰۷ و مفاتیح الجنان، ص

لولىك الحجة بن الحسن العسكرى صلواتك عليه و على
آبائه فى هذه الساعة و فى كل ساعة ولياً و حافظاً و قائداً و
ناصرأ و دليلاً و عيناً حتى تسكنه ارضك طوعاً و تمتعه فيها
طويلاً (۱)؛

خدایا! برای ولی خود حجت بن الحسن علیه السلام که درود تو
بر او و پدران او باد، در این ساعت و هر ساعتی، ولی و
حافظ و لاهیبر و مددکار و راهنما باش تا او را به آسانی در
زمینت سکونت بخشی و برای سالیان طولانی مقتدا و
بهره‌مند گردانی.»

۱ - منتهی الامال. ج ۲. ص ۴۸۷؛ نجم الثاقب، ص ۵۹۲ و مفاتیح الجنان،
اعمال «شب‌های آخر ماه مبارک رمضان، ص ۴۱۷.

انجام حج به نیابت از آن حضرت

«روش بزرگان، دانشمندان، صالحان و آشنایان به اصول و معارف و احکام دینی، از زمان‌های بسیار دور چنین بوده که به نیابت از حضرت مهدی (عج) حج به جای می‌آوردند. این شیوه و روش، دلیل بر آن است که آنان برای عمل خود، دلیل و برهان مسلمی داشته‌اند.

- البته روایات کلی در این زمینه داریم که به آنها اشاره می‌شود - اصولاً برنامه مؤمنان چنین است که بعد از انجام حج واجب خود، سعی می‌کنند اعمال حج را به نیابت از محبوب‌ترین افراد خود نیز انجام دهند. حال این نیابت به خاطر خویشاوندی است، مانند پدر، مادر، فرزند و دیگران، و یا به خاطر علاقه دینی و مذهبی است. چنان که در زمان ما رسم است که به نیابت از رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی

را رهبری کرد حکومت اسلامی را تشکیل داد، و از این جهت حق بزرگی به گردن ما دارد.

بنابراین، حضرت مهدی (عج) که محبوب ترین شخص نزد شیعیان است و همه چیز و حیات و وجود ما از برکت فیض وجود او است، از هر کس شایسته تر است که به خاطر آن حضرت حج به جای آورده شود. شاید راز این کار آن باشد چون در مراسم حج، نوعی وحدت و اتحاد بین گروه‌ها، نژادها مختلف اسلامی به وجود می‌آید و یک حالت معنوی خاصی در فضای ملکوتی آن جا حاکم می‌شود و توجه به خدا زیاد می‌شود و همه دور یک محور و یک خانه می‌چرخند و از یک نقطه حرکت می‌کنند. همه در یک زمان، به سرزمین مقدس عرفات می‌روند، سپس در یک زمان به سوی مشعر کوچ می‌کنند. همه در یک روز به یاد فداکاری و ایثار حضرت ابراهیم علیه السلام قربانی می‌کنند و خلاصه، یک اتحاد و هماهنگی و توجه به خدا و همدلی

خاصی در آن محیط نورانی، احساس می‌شود. این حالت خاص، جلوه بسیار کوچکی از جامعهای است که حضرت مهدی (عج) آن را پی‌ریزی خواهد کرد. در آن جامعه وحدت و هماهنگی خاصی بین تمام نژادها، و ملت‌ها و قوم‌ها به وجود می‌آید. در آن جامعه جز صفا، صداقت، پاکی و عدالت چیزی مشاهده نمی‌شود. آن‌جا همه به فرمان یک رهبر معصوم و مصلح بزرگ هستند، همه در برابر یک آیین پاک بوده، دور محور حق حرکت می‌کنند، تا این انجام حج به نیابت از آن مصلح بزرگ علاوه بر این که در رعبی اظهار ارادت و ابراز عشق نسبت به آن وجود مقدس است، نشانه انتظار تشکیل دولتی است که در جامعهای را بر اساس احکام و دستورات الهی و بر مبنای بی‌عدالتی و ریناکاری بسازد و همه را در مسیر پرستش خدای یکتا قرار دهد. «

افزون بر این، برای مشروعیت حج از معصوم - علیه السلام -، روایات متعددی داریم که از آنها به خوبی استفاده می شود که انجام حج یا طواف از طرف معصوم - علیه السلام -، بسیار پسندیده و نیکو است. (موسی بجلی به امام محمد باقر علیه السلام می گوید: فریما حججت عن ابیک و ربما حججت عن ابی و ربما حججت عن الرجل من اخوائی و ربما حججت عن نفسی فکیف اصنع فقال: تمتع، فقلت: انی مقیم بمکه عند عشر سنین: فقال: تمتع^(۱)؛ «بسا می شود که از سوی پدر شما حج به جای آورم و بسا که از طرف پدرم یا کسی از برادرانم یا خودم حج انجام می دهم، چگونه آن را انجام دهم؟ فرمود: حج تمتع بجای آور. عرض کردم من ده سال است که مقیم مکه هستم: فرمود: حج تمتع بجای آور».

در روایت دیگر، راوی از امام جواد علیه السلام می پرسد:
قد اردت ان اطوف عنک و عن ابیک، فقیل لی: ان

۱ - کافی، ج ۴، ص ۳۱۴، حدیث یکم.

الاولیاء لا یطاف عنہم، فقال لی: طف ما امکنک فانه جایز . . .
 و ربما طفت عن امک فاطمه - علیها السلام - و ربما لم اطف
 «فقال: استکثر من هذا فانه افضل ما انت عامله ان شاء الله»^(۱)؛
 می خواستم از طرف شما و پدر شما طاف کنم، به من گفته
 شد به نیابت از اولیا طواف کردن، صحیح نیست. حضرت
 در پاسخ فرمود:

بلکه هر قدر که توانستی طواف کن که جایز است.
 همان راوی پس از سه سال مجدداً خدمت آن حضرت
 می رسد و می پرسد: من به نیابت از پیامبر و سایر ائمه - نام
 همه آنها را ذکر می کند - طواف کردم، سپس می گوید:
 و از طرف خود شما طواف کردم؛ چون به وسیله
 اینهاست که من احکام دین خدا را انجام می دهم. حضرت
 در پاسخ فرمود:

سوگند به خدا، دینی را پذیرفته و به آن عمل می کنی که

۱ - کافی، ج ۴، ص ۳۱۴، روایت دوم.

جز آن، از بندگان پذیرفته نیست. آن‌گاه راوی می‌گوید: چه بسا از طرف مادرت فاطمه - علیها السلام - طواف می‌کنم، و گاهی هم طواف نمی‌کنم.

حضرت فرمود:

این طواف را بسیار انجام بده، زیرا بهترین عملی است که انجام می‌دهی.»

از این روایت و نظایر آن به خوبی استفاده می‌شود که انجام حج و طواف به نیابت از آن حضرت مشروع و پسندیده است.

مرحوم کلینی در کتاب «کافی» در همین زمینه باری دارد به ذمه الطواف و الحج عن الائمة عليهم السلام ^(۱) به علاوه روایاتی که حضرت در مراسم حضور دارد و حضور آن حضرت در حج سایرین می‌باشد.

امام در این مورد فرموده است:

«یفقد الناس امامهم یشهد المراسم یراهم و لا یرونه»^(۱)،
 امام از مردم غایب می شود، و در مراسم (حج) حضور
 می یابد، او مردم را می بیند، ولی مردم او را نمی بینند».

و در روایت دیگر آن حضرت می فرماید:

«العام الذی لایشهد صاحب هذا الامر المراسم لا یقبل الله
 حجهم»^(۲)؛ در سالی که صاحب این امر (منصب امامت) در
 مراسم (حج) حضور نداشته باشد، خداوند حج مردم را
 قبول نمی کند».

چه ارزشمند است انسانی که منتظر صاحب الامر (عج) است،
 در سرزمین مقدسی که آن حضرت حضور دارد، به
 نیابت از آن وجود شریف حج به جای آورد تا بدین وسیله،
 اعمالش بیشتر مورد توجه آن حضرت قرار گیرد.

۱. دلائل الامامه، ص ۲۹۰

۲ - همان، ۲۶۱ و شیخ طوسی، غیبت، ص ۱۶۱، روایت نوزدهم.

تلاش برای اصلاح جامعه

از وظایف مهم دیگری که بر عهده عاشقان و منتظران آن حضرت است، سعی و تلاش فراوان در اصلاح دیگران و مبارزه با کج رویها، ظلمها، بی عدالتیها، فسادها، و اهتمام به امر بمعروف و نهی از منکر است.

شیعه بر اساس احساس مسئولیت همگانی که بر عهده دارد باید در برابر فساد و انحراف و ناهنجاریها به ایستد و سکوت را بشکند و در مواقع لازم پرخاش نماید و از سرزنش دیگران نهراسد و از بی تفاوتی پرهیزد.

کسانی که خود را از صحنه اجتماع کنار می کشند و می گویند: ما به خیر و شر دیگران کاری نداریم و فقط به عبادت خود می پردازند و تنها به این بسنده می کنند که خود را دوستدار آن حضرت می دانند، به وظایف خود در دوران غیبت عمل نکرده اند و جزو منتظران واقعی آن حضرت به

حساب نمی آیند؛ هر چند روزی صدها مرتبه بگویند:
«اللهم عجل لوليک الفرج»

به طور کلی مسلمان کسی است که به مشکلات و گرفتاری های سایرین اهمیت بدهد و در زمینه رفع آنها از هیچ کوششی دریغ نرزد و در برابر مصایب مسلمانان بی تفاوت نباشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«من أصبح لایهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم و من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم^(۱)؛ هر کس صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد مسلمان نیست و کسی که بشنود فریاد انسانی را که از مسلمانان کمک می طلبد و به ندای او پاسخ مثبت ندهد، مسلمان نیست».

«در جایکه هدف تمام انبیا و اولاد انبیا علیهم السلام -

اصلاح جامعه و مبارزه با فساد و جهل و جهاد فسطوح و

۱. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۲۹

عدالت بوده است، آیا می‌توان تصور کرد که انسانی خود را عاشق حضرت مهدی (عج) بداند و برای اصلاح جامعه تلاش نکند؟

آری از هیچ مسلمانی که منتظر آن حضرت است، پذیرفته نیست که گناه و انحراف و مخالفت با محبوب خود را مشاهده کند و مهر خاموشی بر لب بزند و در گوشه عزلت نشیند».

حرکت در راستای خواسته آن حضرت

انسان منتظر و معتقد به امام معصوم، باید در تمام امور زندگی و تمام کارهایی که انجام می‌دهد، یا آنها را ترک می‌کند، خواست و اراده آن حضرت را در نظر داشته باشد و سعی کند کوچکترین انحرافی از خواست و رضایت او در افکار و اعمال و گفتارش، به وجود نیاید که خواست او همان خواست و رضای خدا است.

خود آن حضرت در توفیق شریفش به شیخ مفید می‌فرماید:

«فلیعمل کل امری منکم بما یقرب به من محبتنا، و یتجنب ما بدینه من کراهتنا و سخطنا فان امرءاً یبغته فجأة حین لاتنفعه توبة، ولا ینجیه من عقابنا ندم علی حوبة^(۱)؛ پس باید هر یک

۱ - طبرسی احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

از شما کارهایی را انجام دهد که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک کند و از آنچه که ناراحتی و ناخوشایندی ما را فراهم می‌سازد دوری گزیند؛ زیرا امر ما بی‌خبر و ناگهانی فرا می‌رسد که در آن هنگام توبه برای او سودی ندارد و پشیمانی وی را از کیفر ما نجات نخواهد داد».

در این توقیع شریف، حضرت به تمام پیروان خود دستور می‌دهد که کارهای مورد پسند و رضای او را انجام دهند و از هرچه مورد کراهت و ناخوشایندی او است دوری گزینند؛ زیرا خوشنودی حضرت مهدی (عج)، خشنودی خداوند است و هرکاری که ما را به او نزدیک کند، ما را به خدا نیز نزدیک خواهد کرد و به همین ترتیب ناخشنودی آن حضرت، ناخشنودی خدا و خشم او را به دنبال دارد، و هرچه ما را از حضرت مهدی (عج) دور سازد، از خدا نیز دور می‌سازد.

حضرت در پایان اشاره می‌کند که «امر ما ناگهان فرا می‌رسد و پشیمانی و توبه سودی ندارد».

آنچه از این سخن استفاده می شود این که، اگر انسان به ظهور ناگهانی ایمان داشته باشد، باید در مسیر خواست آن حضرت حرکت کند. خود را از گناهان پاک و پاکیزه گرداند و کارهای خود را طبق دستور خداوند تنظیم نماید تا به هنگام ظهور، در وضعیت مطلوبی باشد، چنان چه انسان خود را آماده نکند و از گناه توبه نکرده باشد و آلوده به گناه باشد، به هنگام ظهور، توبه اش بی فایده است و حضرت او را مجازات می کند و در جامعه اسلامی رسوا و ذلیل خواهد شد».

توجه به این موضوع ضروری است که حرکت در مسیر آن حضرت و جلب رضایت او و دوری جستن از کارهایی که موجب کراهت آن امام معصوم است، باید بر اساس صحیحی باشد، یعنی، دستورات اسلامی را باید از فقیهان و مجتهدان و نمایندگان عام آن حضرت اخذ کرد و راه تحصیل رضایت و خوشنودی حضرت مهدی (عج) را باید از آنها آموخت نه اینکه انسان بر اساس خواسته های

نفسانی خود یا با مراجعه به افراد بی اطلاع و شیاد بخواهد در مسیر آن حضرت حرکت کند که این خود گمراهی آشکار و انحراف از مسیر آن حضرت است.

پرداخت حقوق مالی به مستحقان

هر مکتب و مذهبی برای پیش‌برد اهداف خود احتیاج به ابزار و امکانات مالی دارد تا بتواند هدف و برنامه خود را به گوش افراد برساند.

اسلام و تشیع نیز جهت رساندن پیام خود به دیگران و تبلیغ اهداف و دستورات خود، از این قانون و قاعده کلی مستثنا نیست؛ لذا در اسلام حقوق مالی برای کسانی که توانایی دارند وضع شده تا با صرف بخشی از آن در راه خدا، دَین خود را در این زمینه ادا کرده باشند.

پرداخت حقوق مالی در هر عصر و زمانی بر شیعیان و عاشقان مکتب اهل بیت لازم و ضروری است؛ ولی در زمان غیبت، به سبب وجود دشمنان زیاد و ایجاد شبهات در اذهان و عدم دسترسی به امام معصوم ضرورت بیشتری دارد.

حضرت مهدی (عج) در توقیع شریفش به شیخ مفید - علیه الرحمه - می فرماید:

انه من اتقى من اخوانك فى الدين و خرج عليه بما هو مستحقه كان امنا من الفتنة المظله و محنها المظلمه المضلة، و من بخل منهم مما اعاره الله من نعمته على من امره بصلته فانه يكون خاسراً بذلك لا ولاء و اخرته^(۱)؛ آن کسی که از برادران دینی تو که از خدا بترسد و آنچه را که بر عهده دارد به مستحقانش بپردازد، از آشوب ویرانگر و تبهکار و گرفتاری‌های سخت و تاریک و گمراه کننده در امان خواهد بود.

و آن کس که بخل ورزد و نعمت خداوندی را به آن کس که مأمور رساندن به او است نرساند، در دنیا و آخرت زیان کرده است.»

در این فراز به پرداخت حقوق مالی و آثار بخل ورزیدن

اشاره شده که خود نکته‌ای دارد و آن این‌که: بهترین چیزی که سبب رهایی پیروان حضرت مهدی (عج) از چنگال ستمکاران و سلطه جریان فرهنگی و اقتصادی می‌شود، آن است که خود شیعیان به حل مشکلات مادی خود پردازند و با پرداخت حقوق مالی خود، نیاز افراد تهی دست را مرتفع سازند و در راه گسترش فرهنگ غنی اسلامی امکانات و ابراز لازم را فراهم کنند و با پرداخت قسمتی از نعمت‌ها و ثروت الهی که به امانت در اختیار آنان است، به فقیهان و دانشمندان دلسوز و پرهیزکار کمک کنند تا در برابر هجوم فرهنگ ضد اسلامی ایستادگی نمایند، و با استفاده از امکانات و وسایل تبلیغاتی روز، اهداف حضرت بقیة الله الاعظم را به گوش جهانیان برسانند.

این بود مهمترین وظایفی که منتظران حضرت ولی عصر (عج) به عهده دارند. به امید آن که خداوند متعال ما را از منتظران واقعی آن حضرت قرار دهد و توفیقی عنایت فرماید تا توانایی انجام وظایف محوله در زمان غیبت را به

دست آوریم و زمینه ظهور آن مصلح کل را فراهم نماییم و خداوند به خدمتگزاران به اسلام و مسلمانان و کسانی که اهداف حضرت مهدی (عج) - ارواحنا لتراب مقدمه الفدا - را دنبال می کنند، به رهبر توفیق و نشاط و سلامتی و طول عمر عنایت فرماید. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

منابع و ماخذ

- ١ - الاحتجاج، ابو منصور احمد بن على طبرسى، نشر مطابع النعمان، النخف الاشرف.
- ٢ - الارشاد، شيخ محمد بن نعمان مفيد، نشر كنگره شيخ مفيد، كتاب يازدهم.
- ٣ - اعلام الورى يا علام الهدى، ابو على فضل بن حسن طبرسى.
- ٤ - اثبات الهداة، محمد بن الحسن الحر العاملى (متوفى ١١٠٤)، انتشارات دارالكتب الاسلاميه، تهران، ترجمه احمد جنتى.
- ٥ - بحار الانوار، علامه مجلسى (محمد باقر)، نشر مؤسسه الوفاء، بيروت.
- ٦ - الغيبه، شيخ ابو جعفر محمد بن حسن طوسى (متوفى ٤٦٠ ق)، نشر مكتبة بصيرتى، قم.
- ٧ - الغيبه، شيخ ابو عبدالله محمد بن ابراهيم بن جعفر نعمانى (متوفى ٣٤٢ ق)، نشر مكتبة الصدوق، تهران.
- ٨ - الخرائج و الجرائح، شيخ قطب الدين ابوالحسين سعيد بن هبة الله (متوفى ٥٧٣ ق)، نشر مؤسسه الامام المهدي، قم.

- ۹ - کمال الدین و تمام النعمه، شیخ ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی معروف به صدوق (متوفای ۳۸۱ق) انتشارات جامعه مدرسین، قم.
- ۱۰ - کافی، ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلبنی (متوفای ۳۲۹ق) نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- ۱۱ - کشف الغمه. فی معرفة الائمة، ابو حسن علی بن عیسی اربلی، نشر دارالکتب الاسلامیه، بیروت.
- ۱۲ - وسائل الشیعه، شیخ محمد بن حسن بن حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴ق) نشر مکتبه الاسلامیه، تهران، چاپ پنجم.
- ۱۳ - حجة البیضاء، محمد بن المرتضی ملامحسن فیض کاشانی، انتشارات جامعه مدرسین، قم.
- ۱۴ - مستدرک الوسائل، میرزا حسین طبرسی نوری (متوفای ۱۳۲۰ق) نشر مؤسسه آل البیت: لاحیاء التراث، قم.
- ۱۵ - منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی، نشر مکتبه الصدر، تهران.
- ۱۶ - ینابیع الموده، حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، نشر

مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.

۱۷ - الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، شیخ علی یزدی (متوفای

۱۳۳۳)، نشر مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.

۱۸ - منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، کتابفروشی اسلامیة، تهران.

۱۹ - دلائل الامامة، محمد بن جریر بن رستم طبری (متوفای ۳۵۸ ق)

نشر المطبعة الحیدریه و مکتبها، نجف اشرف.

۲۰ - در فجر ساحل، محمد حکیمی، دفتر تبلیغات، چاپ هفدهم.

۲۱ - دادگستر جهان، ابراهیم امینی، انتشارات دارالفکر، قم، چاپ چهارم.

۲۲ - تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، ترجمه دکتر سید حسن

افتخار زاده، شرکت نشر و تبلیغ نیک معارف، تهران، چاپ اول.

۲۳ - مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ترجمه، سید

مهدی حائری قزوینی، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، چاپ دوم.

۲۴ - نجم الثاقب، میرزا حسین نوری، انتشارات مسجد جمکران.

۲۵ - در انتظار خورشید ولایت، عبدالرحمان انصاری، انتشارات زمینه

سازان ظهور امام عصر (عج)، قم.

۲۶ - معجم احادیث الامام المهدی، نشر مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم.

٢٧ - ميزان الحكمة، محمدی ری شهری، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،

قم.

٢٨ - ایثات الوصیه، علی بن الحسین مسعودی، منشورات الرضی، قم.

٢٩ - الكنى واللقاب، شیخ عباس قمی، نشر مكتبة الصدر، تهران.

٣٠ - جمال الاسبوع، سید طاووس الحلی (متوفای ٦٦٤ ق)، منشورات

الرضی، قم.

٣١ - مفاتيح الاجنان، شیخ عباس قمی، نشر بنیاد فرهنگي امام مهدي، ٧،

قم، چاپ دوم.

٣٢ - اعيان الشیعه، سید محسن امین، نشر دارالتعارف للمطبوعات،

بیروت.

٣٣ - سفینة البحار، مرحوم شیخ عباس قمی، نشر دار الأسوه للمطباعه

وانشر، اداره اوقاف و امور خیریه.